

قرآن

با ترتیب تاریخی

از روی ترجمه استاد عبدالمحمد آیتی

پشت کتاب:

سوره فرقان، آیه سی و دو میفرماید:

کافران گفتند: چرا این قرآن را به یکباره بر او نازل نمی شود؟ برای آن است که دل تو را بدان نیرومندی دهیم و آنرا به آهستگی و ترتیب فرو خوانیم.

توجه کنید که میفرماید: ".....فوادک ورتلنه ترتیلا" یعنی به آهستگی و ترتیب فرو خوانیم.

همچنین در سوره اسراء، آیه صد و شش میفرماید:

و قرآن را به تفاریق نازل کردیم تا تو آن را با تانی بر مردم بخوانی و نازلش کردیم، نازل کردنی به کمال

خواندن قرآن به این ترتیب نه تنها ثواب بیشتری دارد، بلکه تاریخ زندگی پر فراز و نشیب حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم از شب بعثت تا رحلت را میتوان در بین خطوط آن آیات درک کرد.

چرا حضرت عثمان خلیفه سوم مسلمانان طبیعی ترین و منطقی ترین

روش تدوین را در تنظیم قرآن پیش نگرفت و قرآن را مطابق نسخه

حضرت علی (ع) یعنی برحسب تاریخ نزول، جمع آوری و تدوین

نکردند که بیشتر معنی نماید و مردمان آینده را با کیفیت نشو و نمای اسلام و هم طرز فکر و روحيات شارع مقدس آن آشنا تر کرد.

بعضی ها میگویند ما فارسی زبانان باید قرآن را به عربی بخوانیم!

همین باعث شده که بیش از هزار سال است ما ایرانیان از نعمت

درک مفاهیم قرآن محروم باشیم.

سوره ابراهیم آیه چهار میفرماید:

هیچ پیامبری را جز بزبان مردمش نفرستادیم. تا بتواند پیام خدا را

برایشان بیان کند.

آیا خواندن قرآن به عربی برای ما فارسی زبانان خلاف این گفته الله

نیست که بتوانیم پیام او را بفهمیم.

سوره قمر، آیه هفدهم میفرماید:

و این قرآن را آسان ادا کردیم تا از آن پند گیرند.

فهرست

صفحه	مطلب
5	نظریه سروش (6 صفحه)
13	پیش گفتار (4 صفحه)
19	راهنمای تاریخی و خلاصه سوره ها (40 صفحه)
63	متن کامل قرآن (359 صفحه)

نظریه سروش:

محمد آفریننده قرآن است. این چیزی است که فیلسوف مشهور در جمهوری اسلامی ایران، مبتکر و مجری انقلاب فرهنگی حکومت اسلامی ایران، عبدالکریم سروش در کتابش «بسط تجربه نبوی» می‌گوید. سروش با این دیدگاه از بسیاری از اصلاح‌گران تندروی مسلمان پیش‌تر می‌رود. سروش در مصاحبه‌اش با زم‌زم، چکیده‌ای از این آراء را بیان کرده است.

عبدالکریم سروش در سالهای اخیر رهبر جریان باصطلاح روشنفکری اصلاح‌طلب حکومت اسلامی ایران به شمار می‌آید. او از حامیان آیت‌الله خمینی بود و در اوایل شکل‌گیری جمهوری اسلامی چند منصب رسمی داشت؛ از جمله مشاور آیت‌الله خمینی در انقلاب فرهنگی و آموزشی به شمار می‌آمد.

با توجه به اقدامات رادیکال آقای سروش در اوائل انقلاب از جمله اخراج استادان دانشگاه و به اصطلاح خودشان پاکسازی و تعطیل دانشگاهها، در سی دو سال گذشته به ایشان میتوان لقب رهبر فکری نظام حکومت اسلامی را داد.

ایشان چند سالیست به آمریکا آمده اند و در این محیط آزاد سخنانی می‌گویند که با رفتار و گفتار ایشان در ایران مغایرت دارد. هرچند ایشان مثل بقیه عالمان دینی خود را از تمام خرابکاریها و نابودی دانشگاه و اجتماع فرهنگی ایران مبرا دانسته و برای جرائم خود حداقل شریک جرم می‌تراشد، ولی مدعای اصلی سروش ساده است: تمام معرفت‌های بشری و استنباط‌های انسانی از دین، تاریخی است و معروض خطا. او با این نظر حکومت دینی ایران را تضعیف می‌کند؛ چون اگر تمام فهم‌های بشری از دین معروض خطا باشد، هیچ کس نمی‌تواند به نام خدا ادعای پیاده کردن شریعت را داشته باشد؛ حتی روحانیون ایرانی.

سروش در «بسط تجربه نبوی» روشن می‌سازد که نظرش درباره خطاپذیر بودن معرفت دینی تا حدی درباره قرآن نیز صادق است.

سروش در کنار اندیشمندان دیگری چون نصر حامد ابوزید و محمد ارکون، در شمار گروهی اندک از اصلاح‌گران رادیکالی است که مدافع ره یافتی تاریخی به قرآن هستند.

اما او در کتابش از بسیاری از همکاران رادیکالش فراتر رفته است. او مدعی است که قرآن نه تنها محصول شرایط تاریخی خاصی است که در بستر آن شکل گرفته است، بلکه برآمده از ذهن حضرت محمد و تمام محدودیت‌های بشری او نیز هست. سروش می‌گوید این سخن، سخنی بدیع و تازه نیست؛ چون بسیاری از اندیشمندان سده‌های میانه هم قبلاً به آن اشاره کرده‌اند.

هرچند سروش به رازی اشاره ای نمیکند ولی در این مصاحبه تقریباً همان نظریه را به این شکل دنبال میکند:

چگونه می‌توان چیزی هم‌چون «وحی» را در جهان مدرن و راززدایی شده امروز، بامعنا دید؟

وحی «الهام» است. این همان تجربه‌ای است که شاعران و عارفان دارند؛ هر چند پیامبر این را در سطح بالاتری تجربه می‌کنند. در روزگار مدرن، ما وحی را با استفاده از استعاره‌ی شعر می‌فهمیم. چنان‌که یکی از فیلسوفان مسلمان گفته است: وحی بالاترین درجه شعر است.

شعر ابزاری معرفتی است که کارکردی متفاوت با علم و فلسفه دارد. شاعر احساس می‌کند که منبعی خارجی به او الهام می‌کند؛ و چیزی دریافت کرده است. و شاعری، درست مانند وحی، یک استعداد و قریحه است: شاعر می‌تواند افق‌های تازه‌ای را به روی مردم بگشاید؛ شاعر می‌تواند جهان را از منظری دیگر به آن‌ها بنمایاند.

به نظر شما، قرآن را باید محصول زمان خودش دید. آیا این سخن متضمن این نیز هست که شخص پیامبر نقشی فعال و حتی

تعیین‌کننده در تولید این متن داشته است؟

بنا به روایات سنتی، پیامبر تنها وسیله بود؛ او پیامی را که از طریق جبرئیل به او نازل شده بود، منتقل می‌کرد. اما، به نظر من، پیامبر نقشی محوری در تولید قرآن داشته است.

استعاره شعر به توضیح این نکته کمک می‌کند. پیامبر درست مانند یک شاعر احساس می‌کند که نیرویی بیرونی او را در اختیار گرفته است. اما در واقع - یا حتی بالاتر از آن: در همان حال - شخص پیامبر همه چیز است: آفریننده و تولیدکننده. بحث درباره این که آیا این الهام از درون است یا از بیرون حقیقتاً این‌جا موضوعیتی ندارد، چون در سطح وحی تفاوت و تمایزی میان درون و بیرون نیست.

این الهام از «نفس» پیامبر می‌آید و «نفس» هر فردی الهی است. اما پیامبر با سایر اشخاص فرق دارد؛ از آن رو که او از الهی بودن این نفس آگاه شده است. او این وضع بالقوه را به فعلیت رسانده است. «نفس» او با خدا یکی شده است. سخن مرا این‌جا به اشتباه نفهمید: این اتحاد معنوی با خدا به معنای خدا شدن پیامبر نیست. این اتحادی است که محدود به قد و قامت خود پیامبر است. این اتحاد به اندازه بشریت است؛ نه به اندازه خدا.

جلال‌الدین مولوی، شاعر عارف، این تناقض‌نما را با ابیاتی به این مضمون بیان کرده است که: «اتحاد پیامبر با خدا، همچون ریختن بحر در کوزه است.»

اما پیامبر به نحوی دیگر نیز آفریننده وحی است. آنچه او از خدا دریافت می‌کند، مضمون وحی است. اما این مضمون را نمی‌توان به همان شکل به مردم عرضه کرد؛ چون بالاتر از فهم آن‌ها و حتی ورای کلمات است. این وحی بی‌صورت است و وظیفه‌ی شخص پیامبر این است که به این مضمون بی‌صورت، صورتی ببخشد تا آن را در دسترس همگان قرار دهد. پیامبر، باز هم مانند یک شاعر، این الهام را به زبانی که خود می‌داند، و به سبکی که خود به آن اشراف

دارد، و با تصاویر و دانشی که خود در اختیار دارد، منتقل می‌کند. شخصیت او نیز نقش مهم در شکل دادن به این متن ایفا می‌کند. تاریخ زندگی خود او: پدرش، مادرش، کودکی‌اش و حتی احوالات روحی‌اش در آن نقش دارند. اگر قرآن را بخوانید، حس می‌کنید که پیامبر گاهی اوقات شاد است و طربناک و بسیار فصیح در حالی که گاهی اوقات پرملال است و در بیان سخنان خویش بسیار عادی و معمولی است. تمام این‌ها اثر خود را در متن قرآن باقی گذاشته‌اند. این، آن جنبه‌ی کاملاً بشری وحی است.

پس قرآن جنبه‌ای انسانی و بشری دارد. این یعنی قرآن خطاپذیر است؟

از دیدگاه سنتی، در وحی خطا راه ندارد. اما امروزه، مفسران بیشتری و بیشتری فکر می‌کنند وحی در مسایل صرفاً دینی مانند صفات خداوند، حیات پس از مرگ و قواعد عبادت خطاپذیر نیست. آن‌ها می‌پذیرند که وحی می‌تواند در مسایلی که به این جهان و جامعه‌ی انسانی مربوط می‌شوند، اشتباه کند. آنچه قرآن درباره‌ی وقایع تاریخی، سایر ادیان و سایر موضوعات عملی زمینی می‌گوید، لزوماً نمی‌تواند درست باشد. این مفسران اغلب استدلال می‌کنند که این نوع خطاها در قرآن خدشه‌ای به نبوت پیامبر وارد نمی‌کند؛ چون پیامبر به سطح دانش مردم زمان خویش «فرود آمده است» و «به زبان زمان خویش» با آن‌ها سخن گفته است.

من دیدگاه دیگری دارم. من فکر نمی‌کنم که پیامبر «به زبان زمان خویش» سخن گفته باشد؛ در حالی که خود دانش و معرفت دیگری داشته است. او حقیقاً به آنچه می‌گفته، باور داشته است. این زبان خود او و دانش خود او بود و فکر نمی‌کنم دانش او از دانش مردم هم‌عصرش درباره‌ی زمین، کیهان و ژنتیک انسان‌ها بیشتر بوده است. این دانشی را که ما امروز در اختیار داریم، نداشته است. و این

نکته خدشه‌ای هم به نبوت او وارد نمی‌کند چون او پیامبر بود، نه دانشمند یا مورخ.

شما به فیلسوفان و عارفان سده‌های میانه هم‌چون مولوی اشاره می‌کنید. دیدگاه‌های شما درباره‌ی قرآن تا چه اندازه ریشه در سنت اسلامی دارد؟

بسیاری از دیدگاه‌های من ریشه در اندیشه‌ی سده‌های میانی اسلام دارد این سخن را که نبوت مقوله‌ای است بسیار عام و نزد اصناف مختلف آدمیان یافت می‌شود، هم در اسلام شیعی و هم نزد عارفان وجود دارد. متکلم بزرگ شیعی، شیخ مفید، امامان شیعه را پیامبر نمی‌داند؛ اما تمام ویژگی‌هایی را که پیامبران دارا هستند، به آن‌ها نسبت می‌دهد. هم‌چنین عارفان نیز عمدتاً متعقدند که تجربه‌ی آن‌ها از جنس تجربه‌های پیامبران است. و باور به این نیز که قرآن یک محصول بشری و بالقوه خطا‌پذیر است، در عقاید معتزله دال بر مخلوق بودن قرآن به طور تلویحی آمده است.

اندیشمندان سده‌های میانه غالباً این نظرها را به شیوه‌ای روشن و مدون بیان نمی‌کردند و ترجیح می‌دادند آن‌ها را در خلال سخنانی پراکنده یا در لفافه بیان کنند. آن‌ها نمی‌خواستند برای مردمی که توانایی هضم این اندیشه‌ها را نداشتند، ایجاد تشویش و سردرگمی کنند. به عنوان مثال، مولوی جایی می‌گوید که قرآن، آئینه‌های ذهن پیامبر است. آنچه در دل سخن مولوی مندرج است این است که شخصیت پیامبر، تغییر احوال او و اوقات خوب و بد او، همه در قرآن منعکس هستند.

پسر مولوی حتی از این هم فراتر می‌رود. او در یکی از کتاب‌هایش می‌گوید که چند همسری به این دلیل در قرآن مجاز دانسته شده است که پیامبران زنان را دوست می‌داشت. و به این دلیل بود که به پیروانش اجازه‌ی اختیار کردن چهار زن را داده بود!

آیا سنت شیعی به شما اجازه می‌دهد که اندیشه‌هایتان را درباره
بشری بودن قرآن مدون کرده و توسعه دهید؟

مشهور است که در اسلام سنی، مکتب عقل‌گرای اعتزالی در برابر
اشعریان و عقیده آن‌ها دال بر جاودانی بودن و غیرمخلوق بودن قرآن
شکست سختی خورد. اما در اسلام شیعی، معتزلیان به نحوی ادامه
حیات دادند و زمینی حاصل‌خیز را برای رشد یک سنتی فلسفی غنی
فراهم کردند. اعتقاد معتزلیان دال بر مخلوق بودن قرآن در میان
متکلمان شیعی، تقریباً اعتقادی است بلامنازع.

امروز می‌بینید که اصلاح‌گران سنی به موضع شیعیان نزدیک‌تر
می‌شوند و اعتقاد مخلوق بودن قرآن را می‌پذیرند. اما روحانیون
ایران در استفاده از منابع فلسفی سنت شیعی برای گشودن افق‌هایی
تازه به روی فهم دینی ما مردد هستند. آن‌ها قدرتشان را بر پایه فهمی
محافظه‌کارانه از دین مستحکم کرده‌اند و هراس دارند که مبدا با
گشودن باب بحث درباره مسائلی از قبیل ماهیت نبوت، همه چیزشان
از دست برود.

**پیامدهای دیدگاه‌های شما برای مسلمانان معاصر و نحوه استفاده‌ی
آن‌ها از قرآن به منزله یک راهنمای اخلاقی چیست؟**

تلقی بشری از قرآن تفاوت نهادن میان جنبه‌های ذاتی و عرضی قرآن
را میسر می‌کند. بعضی از جنبه‌های دین به طور تاریخی و فرهنگی
شکل گرفته‌اند و امروز دیگر موضوعیت ندارند. همین امر، به
عنوان مثال، درباره مجازات‌های بدنی که در قرآن مقرر شده‌اند،
صادق است. اگر پیامبر در یک محیط فرهنگی دیگر زندگی می‌کرد،
این مجازات‌ها احتمالاً بخشی از پیام او نمی‌بودند.

وظیفه مسلمانان امروز این است که پیام گوهری قرآن را به گذشت
زمان ترجمه کنند. این کار درست مانند ترجمه‌ی یک ضرب‌المثل از

یک زبان به زبان دیگری است. ضرب‌المثل را تحت‌اللفظی ترجمه نمی‌کنید. ضرب‌المثل دیگری پیدا می‌کنید که همان روح و معنا را داشته باشد، همان مضمون را داشته باشد، ولی شاید همان الفاظ را نداشته باشد.

در عربی می‌گویند که فلانی خرما به بصره برده است. اگر قرار باشد این را به انگلیسی ترجمه کنید، می‌گویید فلانی زغال‌سنگ به نیوکاسل برده است. درک تاریخی و بشری از قرآن به ما اجازه این کار را می‌دهد. اگر بر این باور اصرار کنید که قرآن کلام غیرمخلوق و جاودانی خداست که باید لفظ به لفظ به آن عمل شود، دچار مخمصه‌ای لاینحل می‌شوید.

پیشگفتار:

بدون ترس از تکفیر احتمالی بعضی از فقیهان، از دری که آقای سروش باز کرده اند وارد میشویم و این ترجمه فارسی قرآن را گرد آورده، بطوریکه سوره ها به ترتیب زمانی آن نوشته شده و شماره سوره برای نشان دادن ترتیبی که در قرآن سنتی نوشته شده در ابتدای هر سوره خواهد آمد.

در سوره فرقان، آیه سی و دو میفرماید:

کافران گفتند: چرا این قرآن را به یکباره بر او نازل نمی شود؟ برای آن است که دل تو را بدان نیرومندی دهیم و آنرا به آهستگی و ترتیب فرو خوانیم.

توجه کنید که میفرماید: "..... فوادک ورتلنه ترتیلا" یعنی به آهستگی و ترتیب فرو خوانیم.

همچنین در سوره اسراء، آیه صد و شش میفرماید:

و قرآن را به تفاریق نازل کردیم تا تو آن را با تانی بر مردم بخوانی و نازلش کردیم، نازل کردنی به کمال

خواندن قرآن به این ترتیب نه تنها ثواب بیشتری دارد، بلکه تاریخ زندگی پر فراز و نشیب حضرت محمد صلی الله علیه و اله و صلّم از شب بعثت تا رحلت را میتوان در بین خطوط آن آیات درک کرد.

اولین سوره ای که در شب بعثت در مکه نازل شده سوره علق است. همان موقع و یا چند روز بعد حضرت خدیجه اسلام آورد. چرا این سوره نود ششمین خوانده شود؟

در همان ماه های اول بود که عموی پیامبر، ابو لهب، او را مسخره میکرد و بهمین مناسبت ششمین سوره تبت نازل شد. چرا این سوره یکصد یازدهمین خوانده شود؟

بلند ترین سوره قرآن بقره، اولین سوره ایست که بعد از هجرت در

مدینه نازل شده و هشتاد و هفتمین سوره میباشد. چرا این سوره دومین خوانده شود؟

بالاخره بعد آن همه جهاد، آخرین سوره کمک "نصر" کمی قبل از رحلت حضرت رسول نازل شده. چرا نباید این سوره به شماره 114 و نتیجه این کتاب باشد؟ که میفرماید:

به نام خدای بخشاینده مهربان
چون یاری خدا و پیروزی فراز آید، و مردم را ببینی که فوج فوج به دین خدا در می آیند، پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه، که او توبه پذیر است.

چرا حضرت عثمان خلیفه سوم مسلمانان طبیعی ترین و منطقی ترین روش تدوین را در تنظیم قرآن پیش نگرفت و قرآن را مطابق نسخه حضرت علی (ع) یعنی برحسب تاریخ نزول، جمع آوری و تدوین نکردند که بیشتر معنی نماید و مردمان آینده را با کیفیت نشو و نمای اسلام و هم طرز فکر و روحيات شارع مقدس آن آشنا تر کرد.

بعد از رحلت حضرت محمد (ص) عمر نزد ابوبکر رفت و اصرار ورزید قرآن جمع آوری و تدوین شود، زیرا اختلاف زیادی در متن و قرائت آن دیده شده است. ناچاراً زید بن ثابت تحت نظارت عثمان مامور جمع آوری قرآن ها شد که با همکاری عده ای قرآن به این شکل تنظیم شود که سوره های مکی (منسوب به مکه) را در سوره های مدنی (منسوب به مدینه) در هم آمیزند. این کار تا خلافت عثمان بطول انجامید و نهایتاً قرآن به صورت امروزی آن تنظیم و بقیه نسخ منجمله نسخه حضرت علی از بین برده شد.

بعضی ها میگویند ما فارسی زبانان باید قرآن را به عربی بخوانیم! همین باعث شده که بیش از هزار سال است ما ایرانیان از نعمت درک مفاهیم قرآن محروم باشیم. بله! اگر همه سواد عربی حافظ را می داشتند و قرآن را در چهارده روایت مثل او از حفظ می دانستند، در آن صورت همه می توانستند در درک مفاهیم قرآن با غزل او هم آواز شوند. حافظ با الهام از آیات قرآن، که چندین بار رسول اکرم فرموده اند، این کار را برای مزدی نمی کنند، او هم میگوید:
بی مزد بود و منت هر خدمتی که کردم

یارب مباد کس را مخدوم بی عنایت
و در پایان می گوید: ار خود بسان حافظ
قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت

بهمین دلیل است که در سوره شعرا میفرماید:
اگر آن را بر یکی از عجمان نازل کرده بودیم، و بر ایشان می
خواندش، بدان ایمان نمی آوردند.

تمام این بی چاره گی بخاطر آنست که این کتاب آسمانی، زیبا ترین
نثر و شعر عربی، در طول تاریخ عرب، بدست عده ای بیابانگر و
بی تمدن برای ما ایرانیان. فارسی زبان خوانده شده و ما بدون درک
معانی آن باید موالی و فرمانبردار اعراب می بوده ایم. در حالیکه در
سوره توبه میفرماید:

عربها کافرتر و منافق تر از دیگرانند و به بی خبری از احکام که خدا
بر پیامبرش نازل کرده است سزاوارترند، و خدا دانا و حکیم است،
گروهی از عربها که گرد شما را گرفته اند منافقند و گروهی از مردم
مدینه نیز در نفاق اصرار می ورزند، تو آنها را نمی شناسی، ما می
شناسیمشان و دوبار عذابشان خواهیم کرد و به عذاب بزرگ گرفتار
می شوند.

اصولاً اعراب به امور معنوی و روحانی گرایش ندارند و دین در
نظر آنها وسیله رسیدن به دنیاست. عشق و عرفان به آن صورت که
ما ایرانیان درک میکنیم برایشان نامفهوم است. این زجری است که
رسول اکرم در سیزده سال تبلیغ اسلام در مکه متحمل میشد. سیزده
سال نزول آن آیات انجیل گونه عرفانی و آسمانی تأثیری در مردم
دنیاپرست مکه نکرده و افرادی که به او گرویدند کمی بیشتر از تعداد
انگشتان دست بود.

ولی کمتر از ده سال در مدینه، آن آیات محکم و تورات گونه، تمام
شبه جزیره عربستان را در زیر پرچم اسلام متحد گردانید.

هرچند که بهترین ترجمه فارسی قرآن نمیتواند منعکس کننده آنهمه
زیبائی شعرگونه نثر عربی قرآن باشد ولی لااقل کمی از مفهوم آنرا
بیان میکند، باشد که پند مورد نظر پیامبر از آن گرفته شود.

خداوند در سوره ابراهیم آیه چهار میفرماید: هیچ پیامبری را جز بزبان مردمش نفرستادیم. تا بتواند پیام خدا را برایشان بیان کند. آیا خواندن قرآن به عربی برای ما فارسی زبانان خلاف این گفته الله نیست که بتوانیم پیام او را بفهمیم.

کتاب مقدس مسیحیان شامل دو قسمت عهد عتیق (تورات و سایر کتابها) و عهد جدید (بعد از ظهور حضرت عیسی مسیح) می باشد. مجسم کنید این کتاب چقدر بی معنی میشد اگر تنظیم کنندگان کتاب مقدس در واتیکان در زمان تنظیم آن، در قرن سوم میلادی، آنرا برحسب تاریخ نوشتن آنها تدوین نمی کردند.

وقتی قرآن را می خوانیم، باز گوئی داستانهای تورات و انجیل را در آن می بینیم. این نکته تازه ای نیست و خود حضرت محمد (ص) مکرراً در قرآن فرموده که قرآن ادامه آن کتابهاست. خصوصاً آنکه سرزمین حجاز در قرن ششم میلادی، همزمان با تولد رسول اکرم، از نظر اعتقادات دینی و خدانشناسی بسیار بهره مند بوده و این بیشتر مرهون تاثیر طوایف یهودی در یثرب (مدینه) و مسیحیانی که از شام آمده بودند میباشد. علاوه بر این دین حنیف و پیروان الله در حجاز بسیار بودند.

حنیفیان در ابتدا یک گروه چهار نفری از قریش بودند. آنها در روزی که جشنی برای عزری (دختر الله) عید گرفته بودند، از قریش جدا شدند و گفتند که این مردم به راه باطل می روند. دین آنها را حنیف و خود را پیرو ابراهیم خواندند. در همین دوران و قبل از ظهور حضرت رسول بود که در حجاز چهار نفر ادعای رسالت از طرف الله را کرده و هزاران نفر پیرو داشتند و نام عبدالله بسیار رایج و مرسوم بوده است.

بطوریکه در سوره روم آیه سی میفرماید: پس روی خود را بسوی دین حنیف بگردان و همچنین در سوره بقره میفرماید: ابراهیم نه یهودی بود نه نصرانی، بلکه حنیفی مسلمان بود و از مشرکان نبود.

با وجود تمام اختلافات در مورد حدیث های مورد تأیید مذاهب گوناگون اسلام و برداشت های تاریخی از آن در جهان، همه در کلام قرآن متفق القولند. لذا باید قرآن را به ترتیب راستین آن خواند و

هرکس به فراخور شعور خود، برداشتی از بیست و سه سال نزول قرآن و زندگی تاریخی پیغمبر بزرگ اسلام بکند. خلاصه مطلب اینکه آن عده از ایرانیان لر و کرد و بلوچ و آذری، حتی اگر سواد خواندن فارسی را ندانند، چه رسد به عربی، باید قرآن را بزبان مادریشان بر آنها خواند تا پند گیرند.

خداوند در سوره قمر، آیه هفدهم میفرماید:

"و این قرآن را آسان ادا کردیم تا از آن پند گیرند."

1- العلق #96 (به معنی خون لخته، این سوره در سال ششصد و ده میلادی در کوه حرا، در سه کیلومتری شمال شرق مکه که در آن غارهایی هست و حنیفیان به آن روی می آورند، نازل شد. و حضرت محمد در سن چهل سالگی به پیغمبری مبعوث می شوند. حضرت خدیجه، همسر گرامی و حنیف حضرت محمد اولین کسی است که اسلام می آورد. ورقه بن نوفل پسر عموی خدیجه که مسیحی بود و تورات و انجیل را به عربی و آرامی برگردانده بود اظهار نمود که او همان پیامبر بشارت داده شده است) بخوان به نام پروردگارت که بیافرید. آدمی را از لخته خونی بیافرید. بخوان، و پروردگار تو ارجمندترین است. خدایی که به وسیله قلم آموزش داد، به آدمی آنچه را که نمی دانست بیاموخت. حقا که آدمی نافرمانی می کند، هر گاه که خویشتن را بی نیاز ببند. هر آینه بازگشت به سوی پروردگار توست.

2 - القلم #68 (هفته های اول دعوت مخفیانه به اسلام و اسلام آوردن حضرت علی "ع". گفته شده نزول آیات مدتی متوقف شده و معلوم نیست این فترت تا همین آیه بوده و یا سوره یازدهم) نون، سوگند به قلم و آنچه می نویسند، که تو به فضل پروردگارت دیوانه نیستی. و تورا است پاداشی پایان ناپذیر. و تورا است خلقی عظیم. زودا که تو ببینی و آنها نیز ببینند، که دیوانگی در کدام یک از شماست. ان شاءالله نگفتند. پس شب هنگام که بخواب بودند آفتی از آسمان آمد و بستانها سیاه شد

3 - المزمّل #73 (به معنی جامه بر خود پیچیده) ای جامه بر خود پیچیده، شب را زنده بدار، مگر اندکی را، نیمه ای از آن را، یا اندکی از نیمه کم کن. یا اندکی بر نیمه بیفزای و قرآن را

شمرده و روشن بخوان. ما به تو سخنی دشوار را القا خواهیم کرد.
تکذیب کنندگان صاحب نعمت را به من واگذار و اندکی مهلتشان ده

4- المندر #74 (به معنی جامه در سر کشیده)

ای جامه در سر کشیده، برخیز و بیم ده. و پروردگارت را تکبیر
گوی. و جامه ات را پاکیزه دار. و از پلیدی دوری گزین. و چیزی
مده که بیش از آن چشم داشته باشی.
چه چیز آگاهی ساخت که سقر چیست؟ نه هیچ باقی می گذارد و نه
چیزی را و او می گذارد. سوزاننده پوست است. نوزده فرشته بر آن
گماشته اند.

خدا اینچنین هر کس را که بخواهد گمراه می کند و هر کس را که
بخواهد راه می نماید و شمار سپاهیان پروردگارت را جز او نداند و
این سخن جز اندرزی از برای مردم نیست

5 - الفاتحة #1 (دعای مسلمین و ستایش خدا)

ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است، آن بخشاینده مهربان، آن
فرمانروای روز جزا. تو را می پرستیم و از تو یاری می جوئیم. ما
را به راه راست هدایت کن: راه کسانی که ایشان را نعمت داده ای، نه
خشم گرفتگان بر آنها و نه گمراهان.

6 - المسد #111 (به معنی لیف خرما و لی سوره را اللهم

به معنی آتش هم میگویند. ابولهب عموی حضرت رسول و داماد
ابوسفیان به دنبال ایشان براه می افتاد و حضرت محمد را زیاد
مسخره میکرد. این سوره، نفرین به ابولهب است)
دستهای ابولهب بریده باد و هلاک بر او باد

7 - التکویر #81 (به معنی تاریک شدن)

این کتاب پندی است برای جهانیان

8 - الأعلى #87 (به معنی برتر)

این سخن در صحیفه های نخستین است. صحیفه های ابراهیم و

9 - اللیل # 92 (به معنی شب)
و آنچه بر ماست راهنمایی است

10 - الفجر # 89 (به معنی سپیده دم)
ای روح آرامش یافته، خشنود و پسندیده به سوی پروردگارت
بازگرد، و در زمره بندگان من داخل شو، و به بهشت من در آی

11 - الضحی # 93 (به معنی آغاز روز، منتهی در نزول وحی
انقطاع وجود داشته و ممکن است این دومین سوره باشد ولی اکثر
آنها یازدهمین سوره و حدوداً سال سوم بعثت می دانند)
که پروردگارت تو را ترک نکرده و بر تو خشم نگرفته است، پس
یتیم را میزار، و گدا را مران، و از نعمت پروردگارت سخن بگو

12 - الشرح # 94 (به معنی گشودن)
هر آینه از پی دشواری آسانی است. چون از کار فارغ شوی، به
عبادت کوش. و به پروردگارت مشتاق شو

13 - العصر # 103 (به معنی زمان)
سوگند به این زمان، که آدمی در خسران است. مگر آنها که ایمان
آوردند و کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق سفارش کردند و
یکدیگر را به صبر سفارش کردند

14 - العادیات # 100 (به معنی اسبان دونده)
و آنچه در دلها نهان است آشکار شود، پروردگارش در آن روز از،
حالشان آگاه است

15 - الکوثر # 108 (کوثر رودی در بهشت است. پس از مردن
قاسم، فرزند پیغمبر، او را سرکوفت می زدند که ابتریا بلا عقب است.
این سوره جواب آنهاست)
ما کوثر را به تو عطا کردیم. پس برای پروردگارت نماز بخوان و

قربانی کن. که بدخواه تو خود ابر است

16 - التکاثر #102 (به معنی افزون خواهی)

باز هم حقا که به زودی خواهید دانست

17 - الماعون #107 (کنایه به زکات در آیه هفتم)

پس وای بر آن نمازگزارانی، که در نماز خود سهل انگارند، آنان که
ریا می کنند و از دادن زکات دریغ می ورزند.

18 - الکافرون #109

شمارا دین خود، و مرا دین خود

19 - الفیل #105 (در سال پانصد و هفتاد میلادی که مصادف

است با تولد حضرت محمد، ابرهه پادشاه حبشه، با سپاهی مرکب از
فیل های افریقائی به مکه حمله میکند و این سوره یادآور شکست
ابرهه است)

آیا ندیده ای که پروردگارت با اصحاب فیل چه کرد

20 - الفلق #113 (به معنی صبحگاه)

به پروردگار صبحگاه پناه می برم، و از شر حسود چون رشک می
ورزد

21 - الناس #114 (به معنی مردم)

بگو: به پروردگار مردم پناه میبرم، فرمانروای مردم، خدای مردم،
به پروردگار مردم پناه میبرم، آن که در دلهای مردم وسوسه می کند،
خواه از جنیان باشد یا از آدمیان

22 - الإخلاص #112 (توحید)

بگو: اوست خدای یکتا، خدایی که در حاجت به او رو کنند، نه زاده
است و نه زاده شده، و نه هیچ کس همتای اوست

23 - النجم #53 (به معنی ستاره، این سوره در غرانیق، جمع

غرنوق یعنی صنم و بت، در نزدیکی خانه کعبه بر عده ای از قریش خوانده شد. بعض مورخین گفته اند آیه بعد از 21 درباره لات و عزا و منا گفته: اینها بوتیماران یا طایران بلند پروازند و شاید امیدی به شفاعت آنها باشد. و حضرت رسول بعداً در سوره اسرا آیه 73 تا 75 آنرا رد کرده و همچنین گفته اند که در آن موقع شیطان آنرا برزبانیشان گذاشته)

آیا لات و عزا را دیده اید؟ و منات آن بت سومی دیگر را؟ آیا شما را پسر باشد و او را دختر؟ این تقسیمی است خلاف عدالت و پایان راه همه، پروردگار توست. و اوست که می خداند و می گریاند. و اوست که می میراند و زنده می کند

24 - عبس #80 (به معنی روی ترش کرد، این سوره داستان کوری بنام عبدالله بن ام مکتوم که اسلام آورده بود و حضرت به حرف او اعتنائی نکرد و بمنزل خودش وارد شد)

روی را ترش کرد و سر برگردانید. چون آن نابینا به نزدش آمد. و تو چه دانی، شاید که او پاکیزه شود، یا پند گیرد و پند تو سودمندش افتد. چهره هایی در آن روز درخشانند، خندانند و شادانند. و چهره هایی در آن روز غبار آلودند. در سیاهی فرو رفته اند. اینان کفران و فاجراند

25 - القدر #97 (به معنی تقدیر)

آن شب تا طلوع بامداد همه سلام و درود است

26 - الشمس #91 (به معنی آفتاب)

قوم ثمود از روی سرکشی تکذیب کردند، پروردگارشان به سبب گناهشان آنان را هلاک و نابود کرد

27 - البروج #85 (به معنی برجهای آسمان، این سوره درباره

اصحاب اخدود است که ذونواس پادشاه یمن به دین یهود گروید و مسیحیانی را که از دین خود برنگشتند در گودالهایی آتش زد)

برای کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند بهشتهایی است که در آن نهرها جاری است و آن کامیابی بزرگی است

28 - التین #95 (به معنی انجیر و نیز گفته اند تین کوهی است در شام و زیتون کوهی در فلسطین)
قسم به انجیر و زیتون، قسم به طور مبارک ، آیا خداوند داورترین داوران نیست

29 - قریش #106
برای ائتلاف قریش، ائتلافشان در سفر، زمستانی و تابستانی. پس باید پروردگار این خانه را بپرستند. آن که به هنگام گرسنگی طعامشان داد و از بیم در امانشان داشت

30 - القارعة #101 (به معنی کوبنده)
اما هر که کفه ترازویش سنگین باشد، در یک زندگی پسندیده است. و اما هر که کفه ترازویش سبک باشد، جایگاهش در هاویه است

31 - القيامة #75
آیا انسان می پندارد که او را به حال خود واگذاشته اند، آیا خداوند قادر نیست که مردگان را زنده سازد

32 - الهمزة #104 (به معنی عیب جو)
می پندارد که دارایی اش جاویدانش گرداند

33 - المرسلات #77 (به معنی بادها)
پرهیزگاران در سایه ها و کنار چشمه ساراند با هر میوه ای که آرزو کنند، در آن روز وای بر تکذیب کنندگان

34 - ق #50
ما زنده می کنیم و می میرانیم و بازگشت نزد ماست

35 - البلد #90 (به معنی شهر و اشاره آن به مکه است)

قسم به این شهر. و تو در این شهر سکنا گرفته ای. و قسم به پدر و فرزندان که پدید آورد، که آدمی را در رنج و محنت بیافریده ایم

36 - الطارق #86 (به معنی آنچه در شب آید)
که این کتاب حق را از باطل جدا کند، و سخن هزل نیست. آنان حيله ای می اندیشند، و من هم حيله ای می اندیشم. پس کافران را مهلت ده، اندک مهلتشان ده

37 - القمر #54 (به معنی ماه)
و این قرآن را آسان ادا کردیم تا از آن پند گیرند آیا پند گیرنده ای هست، هر کار بزرگ و کوچکی مکتوب است. پرهیزگاران در باغها و کنار جویبارانند. در جایگاهی پسندیده، نزد فرمانرایی توانا

38 - ص #38
بر هر چه می گویند صبر کن و از داود قدرتمند، که همواره به درگاه، ماتوبه می کرد، یادآور. ما این خطایش را بخشیدیم او را به درگاه ما تقرب است و بازگشتی نیکو، سلیمان را به داود عطا کردیم چه بنده نیکویی بود. از بنده ما ایوب یاد کن آنگاه که پروردگارش را ندا داد که: مرا شیطان به رنج و عذاب افکنده است
بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب آن مردان قدرتمند و با بصیرت را یاد کن
و این جز اندرزی برای مردم جهان نیست

39 - الأعراف #7 (به معنی یال اسب و تاج خروس و در اینجا مراد مکاتهای بلند است میان بهشت و جهنم)
درهای آسمان بر روی کسانی که آیات ما را تکذیب کرده اند و از آنها سربر تافته اند، گشوده نخواهد شد تا آنگاه که شتر از سوراخ سوزن بگذرد و مجرمان را اینچنین کیفر می دهیم، داخل در بهشت شوید، نه بیمی بر شماست و نه غمگین می شوید، پروردگار شما الله است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید پس به عرش پرداخت، شب را

در روز می پوشاند و روز شتابان آن را می طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند، هر آینه پروردگار تو زود عقوبت می کند و نیز آمرزنده و مهربان است

40 - الجن #72

بگو: به من وحی شده است که گروهی از جن، گوش فرا دهند، و گفتند که ما قرآنی شگفت شنیدیم، به راه راست هدایت می کند

41 - یس #36 (به معنی یا، سین)

تفاوتشان نکند، چه آنها را بت‌سانی و چه نترسانی، ایمان نمی آورند، ای دریغ بر این بندگان هیچ پیامبری بر آنها مبعوث نشد مگر آنکه مسخره اش کردند، و آفتاب به سوی قرارگاه خویش روان است این فرمان خدای پیروزمند و داناست، منزله است آن خدایی که ملکوت هر چیزی به دست اوست و همه به سوی او بازگردانده می شوید

42 - الفرقان #25

کفران گفتند: چرا این قرآن به یکباره بر او نازل نمی شود؟ برای آن است که دل تو را بدان نیرومندی دهیم و آن را به آهستگی و ترتیب فرو خوانیم، به موسی کتاب دادیم و برادرش هارون را مددکارش ساختیم، و هر که توبه کند و کار شایسته کند، به شایستگی نزد خدا بازگردد

43 - فاطر #35 (به معنی آفریننده)

اگر تو را تکذیب کرده اند، پیامبرانی را هم که پیش از تو بوده اند، تکذیب کرده اند و همه کارها به خدا بازگردانده شود، هیچ زنی آبتن نمی شود و نمی زاید مگر به علم او و عمر هیچ سالخورده ای به درازا نکشد و از عمر کسی کاسته نگردد، جز آنکه همه در کتابی نوشته شده است و این کارها بر خدا آسان است، و اگر خدا بخواهد مردم را به سبب کارهایی که کرده اند بازخواست کند بر روی زمین هیچ جنبنده ای باقی نگذارد ولی آنها را تا زمانی معین مهلت می دهد

و چون منتشان به سر آمد، به اعمال بندگان خویش آگاه است

44 - مریم #19

ای یحیی، کتاب را به نیرومندی بگیر و در کودکی به او دانایی عطا کردیم، چگونه با کودکی که در گهواره است سخن، بگوییم. کودک گفت: من بنده خدایم، به من کتاب داده و مرا پیامبر گردانیده است، خدای رحمان را سزاوار نیست که صاحب فرزندی باشد، و چه بسیار مردمی را پیش از آنها هلاک کرده ایم آیا هیچ یک از آنها را می یابی یا حتی اندک آوازی از آنها می شنوی

45 - طه #20

قرآن را بر تو نازل نکرده ایم که در رنج افتی- خبر موسی به تو رسیده است، آنگاه که آتشی دید و به خانواده خود گفت: درنگ کنید، که من از دور آتشی می بینم، شاید برایتان قبسی بیاورم یا در روشنایی آن راهی بیابم. چون نزد آتش آمد، ندا داده شد: ای موسی، من پروردگار تو هستم پای پوشت را بیرون کن که اینک در وادی مقدس طوی هستی.

و من تو را برگزیده ام پس به آنچه وحی می شود گوش فرادار گفتیم: ای آدم، این دشمن تو و همسر توست، شما را از بهشت بیرون نکند، که نگو نبخت شوی گفتند: ای پروردگار ما، چرا رسولی بر ما نفرستادی تا پیش از آنکه به خواری و رسوایی افتیم، از آیات تو پیروی کنیم؟ بگو: همه منتظرند، شما نیز منتظر بمانید به زودی خواهید دانست آنها که به راه راست می روند و آنها که هدایت یافته اند، چه کسانی هستند

46 - الواقعة #56 (به معنی قیامت)

اینان مقربانند، در بهشتهای پر نعمت. گروهی از پیشینیان و اندکی از آنها که از پی آمده اند، بر تختهایی مرصع، رو به روی هم بر آنها تکیه زده اند. پسرانی همواره جوان گردشان می چرخند، با قدحها و ابریکها و جامهایی از شرابی که در جویها جاری است. از نوشیدنش

نه سر درد گیرند و نه بیهوش شوند. و میوه هایی که خود بر می
گزینند. و گوشت پرنده هر چه بخواهند. و حوران درشت چشم،
همانند مرواریدهایی در صدف

47 - الشعراء #26

آیا این نشانه برایشان بسنده نیست که علمای بنی اسرائیل از آن
آگاهند، اگر آن را بر یکی از عجمان نازل کرده بودیم، و برایشان
می خواندش، بدان ایمان نمی آوردند
ما هیچ قریه ای را هلاک، نکرديم جز آنکه برایشان بیم دهندگانی
فرستادیم. تا پندشان دهند زیرا ما ستمکار نیستیم. و این قرآن را
شیاطین نازل نکرده اند

48 - النمل #27 (به معنی مورچه)

تو کسی هستی که قرآن از جانب خدای حکیم و دانا به تو تلقین می
شود
سپاس خداراست آیات خود را به شما خواهد نمود تا آنها را بشناسید و
پروردگار تو از هیچ کاری که می کنید بی خبر نیست

49 - القصص #28 (به معنی داستان)

چون موسی مدت را به سر آورد و با زنش روان شد، از سوی طور
آتشی دید به کسان خود گفت: درنگ کنید آتشی دیدم شاید از آن خبری
یا پاره آتشی بیاورم تا گرم شوید. چون نزد آتش آمد، از کناره راست
وادی در آن سرزمین مبارک، از آن درخت، ندا داده شد که: ای
موسی، من خدای یکتا پروردگار جهانیانم. عصایت را بینداز چون
دیدش که همانند ماری می جنبد، گریزان بازگشت و به عقب
ننگریست. ای موسی، پیش آی و مترس تو در امان هستی
پس از آنکه مردم روزگار پیشین را هلاک ساختیم، به موسی کتاب
دادیم تا مردم را بصیرت و هدایت و رحمت باشد شاید پند گیرند
تو هر کس را که بخواهی هدایت نمی کنی خداست که هر که را

بخواهد هدایت می کند

پروردگار تو مردم قریه ها را هلاک نکرد تا آنگاه که از خودشان پیامبری بر آنها مبعوث داشت و او آیات ما را بر آنها بخواند و ما قریه ها را نابود نکرده ایم مگر آنکه مردمش ستمکار بوده اند اگر رحمت پروردگارت نبود، امید آن را نداشتی که این کتاب بر تو القا شود. پس نباید پشتیبان کافران باشی

50 - الإسرائ #17 (این سوره بنام سوره بنی اسرائیل، فرزندان یعقوب، ترجمه شده و در ابتدا مربوط است به معراج پیغمبر از مسجد الاقصی. هر چند مسجد الاقصی در زمان خلافت عمر ساخته شده ولی ممکن است هر معبد و کلیسایی در آن زمان مسجد نامیده می شده. ضمناً آیه های 73 تا 75 در اینجا در رد همان آیه ایست که در سوره نجم از قرآن حذف شده است)

منزه است آن خدایی که بنده خود را شبی، از مسجدالحرام به مسجد الاقصی که گرداگردش را برکت داده ایم سیر داد، تا بعضی از آیات خود را به او بنماییم، هر آینه او شنوا و بیناست پروردگارت مقرر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید هر گاه تا تو زنده هستی هر دو یا یکی از آن دو سالخورده شوند، آنان را میزار و به درشتی خطاب مکن و با آنان به اکرام سخن بگوی

آیا پروردگارتان برای شما پسران برگزیده و خود فرشتگان را به دختری اختیار کرد؟ حقا که سخنی است بزرگ که بر زبان می آورید. ما سخنان گونه گون در این قرآن آوردیم، باشد که پند گیرند، ولی جز به رمیدنشان نیفزاید. بگو: همچنان که می گویند، اگر با او خدایان دیگری هم بودند پس به سوی صاحب عرش راهی جسته بودند. او منزه است، و از آنچه در باره اش می گویند برتر و بالاتر است

نزدیک بود تو را از آنچه بر تو وحی کرده بودیم منحرف سازند تا چیز دیگری جز آن را به دروغ به ما نسبت کنی، آنگاه با تو دوستی

کنند. و اگر نه آن بود که پایداریت داده بودیم، نزدیک بود که اندکی به آنان میل کنی

اگر جن و انس گرد آیند تا همانند این قرآن را بیاورند نمی توانند همانند آن را بیاورند، هر چند که یکدیگر را یاری دهند و پس از او به بنی اسرائیل گفتیم: در آن سرزمین ساکن شوید و چون وعده آخرت رسد همه شما را با هم محشور می کنیم و قرآن را به تفاریق نازل کردیم تا تو آن را با تانی بر مردم بخوانی و نازلش کردیم، نازل کردنی به کمال

51 - یونس #10 (یونس که به لقب ذوالنون نامیده میشود،

پیامبر بنی اسرائیل است که بر مردم نینوا مبعوث شد) بگو: من در باره خود جز آنچه خدا بخواهد مالک هیچ سود و زیانی نیستم. مرگ هر امتی را زمانی معین است چون زمانشان فرا رسد، نه یک ساعت تاخیر کنند و نه یک ساعت پیش افتند

52 - هود #11 (هود بر قوم عاد مبعوث شد)

بگو: اگر راست می گوئید، جز خدا هر که را که توانید به یاری بطلبید و ده سوره مانند آن به هم بر بافته، بیاورید کسانی که ایمان نمی آورند بگو: شما به هر سان که خواهید عمل کنید، ما نیز عمل می کنیم. شما انتظار بکشید ما نیز منتظر می مانیم

53 - یوسف #12 (یوسف فرزند یعقوب)

بهترین داستان را برایت حکایت می کنیم، که تو از این پیش از بی خبران بوده ای. آنگاه که یوسف به پدر خود گفت: ای پدر، من در خواب یازده ستاره و خورشید و ماه دیدم ای پروردگار من، مرا فرمانروایی دادی و مرا علم تعبیر خواب آموختی. ای آفریننده آسمانها و زمین، تو در دنیا و آخرت کارساز منی مرا مسلمان بمیران و قرین شایستگان ساز

54 - الحجر #15 (حجر نام سرزمین قوم ثمود در وادی

القری بین مدینه و شام که صالح بر آنان مبعوث شد (بسا که کافران آرزو کنند که ای کاش مسلمان می بودند هیچ پیامبری بر آنها مبعوث نشد، جز آنکه مسخره اش کردند ما آدمی را از گل خشک، از لجن بویناک آفریدیم. و جن را پیش از آن، از آتش سوزنده بی دود آفریده بودیم چون آفرینشش را به پایان بردم و از روح خود در آن دمیدم، در برابر او به سجده بیفتید. فرشتگان همگی سجده کردند، مگر ابلیس که سر باز زد که با سجده کنندگان باشد

55 - الأنعام #6 (به معنی چارپایان)

اگر آنها را در آن روز که در آتشند بنگری، میگویند: ای کاش ما را بازگردانند تا آیات پروردگاران را تکذیب نکنیم و از مؤمنان باشیم آنان که آیات ما را تکذیب کرده اند کرانند و لالانند و در تاریکی هابند، خدا هر که را خواهد گمراه کند و هر که را خواهد به راه راست اندازد

بگو: سلام بر شما، خدا بر خویش مقرر کرده که شما را رحمت کند، زیرا هر کس از شما که از روی نادانی کاری بد کند، آنگاه توبه کند و نیکوکار شود، بداند که خدا آمرزنده و مهربان است

56 - الصافات #37 (به معنی فرشتگان صف بسته)

ما آسمان فروردین را به زینت ستارگان بیاراستیم، و از هر شیطان نافرمان نگه داشتیم. تا سخن ساکنان عالم بالا را نشنوند و از هر سوی رانده شوند. تا دور گردند و برای آنهاست عذابی دایم. مگر آن شیطان که ناگهان چیزی بر باید و ناگهان شهابی ثاقب دنبالش کند

57 - لقمان #31

به تکبر از مردم روی مگردان و به خود پسندی بر زمین راه مرو، زیرا خدا هیچ به ناز خرامنده فخر فروشی را دوست ندارد آیا ندیده ای که خدا از شب می کاهد و به روز می افزاید و از روز می کاهد و به شب می افزاید و آفتاب و ماه را رام خود ساخت که هر

یک تا زمانی معین در حرکت است؟ و خدا به کارهایی که می کنید آگاه است

آیا ندیده ای که کشتی به نعمت خدا در دریا روان می شود تا خدا پاره ای از آیات قدرت خود را به شما بنمایاند

58 - سبأ #34

و باد را مسخر سلیمان کردیم بامدادان یک ماهه راه می رفت و شبانگاه یک ماهه راه و چشمه مس را برایش جاری ساختیم و گروهی از دیوها به فرمان پروردگارش برایش کار می کردند و هر که از آنان سر از فرمان ما می پیچید به او عذاب آتش سوزان را می چسانیدیم

59 - الزمر #39 (به معنی جماعتها، در این سوره، آیه سوم

عقیده تقرب به الله را از طریق بتها رد کرده و گویا در آیه دهم به مهاجرت اول مسلمین مکه به حبشه اشاره می کند)

آگاه باش که دین خالص از آن خداست و آنان که سوای او دیگری را به خدایی گرفتند، گفتند: اینان را از آن رو می پرستیم تا وسیله نزدیکی ما به خدای یکتا شوند و خدا در آنچه اختلاف می کنند میانشان حکم خواهد کرد خدا آن را که دروغگو و ناسپاس باشد هدایت نمی کند

بگو: ای بندگان من که ایمان آورده اید، از پروردگارتان بترسید برای آنان که در حیات اینجهانی نیکی کرده اند، پاداش نیک است و زمین خدا پهناور است مزد صابران بی حساب و کامل ادا می شود

60 - غافر #40 (به معنی مومن، این سوره سخن از مردی

مومن از فرعونیان به میان آمده که به یاری موسی برخاست)

نزول این کتاب از جانب خدای پیروزمند داناست، آمرزنده گناه، پذیرنده توبه، سخت عقوبت، بخشنده، هیچ خدایی جز او نیست، بازگشت همه به سوی اوست

ستمکاران را در آن روز نه خویشاوندی باشد و نه شفיעی که سخنش

61 - فصلت #41 (نام دیگر این سوره حم السجد است)
گفتند : دل‌های ما از آنچه ما را بدان دعوت می‌کنی در پرده است و گوشه‌امان سنگین است و میان ما و تو حجابی است تو به کار خود پرداز و ما نیز به کار خود می‌پردازیم
اگر قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم، می‌گفتند: چرا آیاتش به روشنی بیان نشده است؟ کتابی به زبان عجم و پیامبری عرب؟ بگو: این کتاب برای آنها که ایمان آورده اند هدایت و شفاست و آنها که ایمان نیاورده اند گوشه‌امان سنگین است، و چشماتشان کور است، چنانند که گویی آنها را از جایی دور ندا می‌دهند

62 - الشوری #42 (به معنی مشورت، این سوره همزمان است با مشورت مسلمانان برای هجرت دومشان از مکه به طائف و پناه برده به بنی ثقیف. روسای قبایل در طائف می‌خواستند حضرت محمد طائف را منطقه حرام در رقابت با مکه اعلام کند ولی بعداً قبایل طائف دشمنی با قریش را برای خودشان اقتصادی ندانسته و این مهاجرت صورت نگرفت)
و نیز این قرآن را به زبان عربی بر تو وحی کردیم تا ام القری و ساکنان اطرافش را بیم دهی، اگر خدا می‌خواست همه را یک امت کرده بود ولی او هر که را که بخواهد به رحمت خویش در آورد، و ستمکاران را هیچ دوست و یآوری نیست.

63 - الزخرف #43 (به معنی زینت)
به میان پیشینیان پیامبران بسیاری فرستادیم. و هیچ پیامبری بر آنها مبعوث نمی‌شد مگر آنکه مسخره اش می‌کردند
ای پروردگار من، اینان مردمی هستند که ایمان نمی‌آورند. پس از آنها در گذر و بگو: ایمنی است شما را آری به زودی خواهند دانست

64 - الدخان #44 (به معنی دود)

در آن شب هر فرمانی بر حسب حکمت صادر می شود، فرمانی از جانب ما و ما همواره فرستنده آن بوده ایم. چشم انتظار روزی باش که آسمان به آشکارا دود بیاورد. و آن دود همه مردم را در خود فرو پوشد و این عذابی است دردآور. ای پروردگار ما، این عذاب را از ما دورگردان که ما ایمان آورده ایم، کجا پند می پذیرند؟ حال آنکه چون پیامبر روشنگر بر آنها مبعوث شد، از او رویگردان شدند و گفتند: دیوانه ای است تعلیم یافته

65 - الجاثیة #45 (به معنی زانو زننده، این سوره شاید زمینه سازی برای مهاجرت به مدینه باشد. از آنجهت که قبایل یهودی در مدینه هم از نظر کثرت و هم از نظر ثروت بر دیگران ارجحیت داشتند)

خداست که دریا را رام شما کرد تا در آن به فرمان او کشتیها روان باشند، و طلب معیشت کنید، باشد که سپاسگزار باشید ما به بنی اسرائیل کتاب و علم دآوری و نبوت عطا کردیم و از چیزهای پاکیزه و خوش روزیشان کردیم و بر جهانیان برتریشان دادیم

66 - الأحقاف #46 (به معنی ریگستانها، این سوره در مجادله با مرم مکه، سوره ها را ادامه تورات بیان کرده و منظور از "یکی از بنی اسرائیل" همان پسر عموی حضرت خدیجه است که یهودی بود) یا می گویند: این کتاب دروغی است که خود بافته است بگو: اگر من آن را چون دروغی به هم بافته باشم، شما نمی توانید خشم خدا را از من باز دارید

بگو: چه می کنید اگر قرآن از جانب خدا باشد و شما بدان ایمان نیاورید؟ یکی از بنی اسرائیل بدان شهادت داد و ایمان آورد ولی شما گرنکنشی می کنید، خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند گفتند: ای قوم ما، ما کتابی شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، کتابهای پیشین را تصدیق می کند و به حق و راه راست راه می نماید. ای قوم

ما، این دعوت کننده به خدا را پاسخ گوئید و به او ایمان بیاورید تا خدا گناهانتان را ببامزد و شمارا از عذابی دردآور در امان دارد

67 - الذاریات #51 (به معنی بادهای خاک پراکن)
می پرسند روز جزا کی خواهد بود؟ روزی است که بر آتش عذابشان می کنند. عذاب خود را بچشید: این است آن چیزی که به شتاب میطلبید. پرهیزگاران در باغها و کنار چشمه ساران باشند

68 - الغاشیة #88 (به معنی پوشنده)
در آن روز، وحشت در چهره ها پدیدار است، تلاش کرده و رنج دیده، در آتش سوزان در افتند. از آن چشمه بسیار گرم آبشان دهند، طعامی جز خار ندارند، که نه فربه می کند و نه دفع گرسنگی

69 - الکهف #18 (به معنی غار ، داستان سگ اصحاب کهف در فرهنگ ایرانی بعنوان همنشین خوب و تاثیر آن آمده، چنانکه سگ این مردمان بعد از سالها همنشینی با مردم خوب آدم شده. آیه هشتاد و دو به بعد اشاره به ذوالقرنین یعنی کورش کبیر است. با توجه به اشارات مکرر در کتاب مقدس و همچنین تندیس کورش با دوشاخ گوزن بالای سر او و چون در عربی و عبری کلمه "قرن" به معنی شاخ قوچ است، مسلم گردیده که منظور از ذوالقرنین همان کورش کبیر است)

آیا پنداشته ای که اصحاب کهف و رقیم از نشانه های شگفت انگیز ما بوده اند، خواهند گفت: سه تن بودند و چهارمیشان سگشان بود و آنان در غار خود سیصد سال آر میدند و نه سال بدان افزوده اند. و از تو در باره ذوالقرنین می پرسند بگو: برای شما از او چیزی می خوانم. ما او را در زمین مکانت دادیم و راه رسیدن به هر چیزی را به او نشان دادیم. او نیز راه را پی گرفت. تا به غروبگاه خورشید رسید

70 - النحل #16 (به معنی زنبور عسل، این سوره در آیه صد

و سه اشاره ایست به جبر که در نزدیکی مروه دکانی داشت و حضرت محمد زیاد به دیدن او می رفت. جبر مرد فاضلی بود که داستانهای قدیمی را به حضرت می گفت)

فرشتگان را همراه وحی که فرمان اوست بر هر یک از بندگانش که بخواهد فرو می فرستد تا بیم دهند که : جز من خدایی نیست، پس از من بترسید

اوست که از آسمان برایتان باران نازل کرد از آن می نوشید و بدان گیاه می روید و چارپایان را می چرانید. و با آن برایتان کشتزار و زیتون و نخلها و تاکستانها و هر نوع میوه برویاند، در این عبرتی است برای مردمی که می اندیشند. و مسخر شما کرد شب و روز را و خورشید و ماه را و ستارگان همه، فرمانبردار امر او هستند در این برای آنها که به عقل در می یابند عبرتهاست

و از میوه های نخلها و تاکها شرابی مست آور و رزقی نیکو به دست می آورید و خردمندان را در این عبرتی است. پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد که: از کوهها و درختان و در، بناهایی که می سازند خانه هایی برگزین. آنگاه از هر ثمره ای بخور و از روی خشوع به راه پروردگارت برو از شکم او شرابی رنگارنگ بیرون می آید که شفای مردم در آن است و صاحبان اندیشه را در این عبرتی است

می دانیم که می گویند: این قرآن را بشری به او می آموزد. زبان کسی که به او نسبت می کنند عجمی است، حال آنکه این زبان عربی روشنی است.

به تو نیز وحی کردیم که: از آیین حنیف ابراهیم پیروی کن که او از مشرکان نبود.

71 - نوح #71

آیا نمی بینید چگونه خدا هفت آسمان طبقه طبقه را بیافرید. و ماه را روشنی آنها، و خورشید را چراغشان گردانید، و خدا شما را چون نباتی از زمین برویاند

و نوح گفت: ای پروردگار من، بر روی زمین هیچ یک از کافران را مگذار، که اگر بگذاریدشان بندگان را گمراه می کنند و جز فرزندان فاجر و کافر نیاورند

72 - ابراهیم #14

هیچ پیامبری را جز به زبان مردمش نفرستادیم، تا بتواند پیام خدا را برایشان بیان کند، پس خدا هر که را بخواهد گمراه می کند و هر که را بخواهد هدایت می کند و اوست پیروزمند و حکیم، کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، به بهشتهایی که نهرها در آن جاری است در آورند، به فرمان پروردگارشان در آنجا جاودانه بمانند و به سلام، یکدیگر را تحیت گویند
مجرمان را در آن روز به غلهایی که دست را به گردن بندد، بسته بینی، جامه هاشان از قطران است و آتش صورتهایشان را فرو پوشیده است

73 - الأنبياء #21

گفتند: نه، خوابهای پریشان است، یا دروغی است که می بندد یا شاعری است، پس برای ما از آن گونه که به پیامبران پیشین داده شده بود معجزه ای بیاورد
پیامبرانی را که پیش از تو بودند نیز به مسخره گرفته بودند ولی عذابی که مسخره اش می کردند بر سر مسخره کنندگان فرود آمد و ما در زبور پس از تورات نوشته ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد

74 - المؤمنون #23

سپس پی در پی پیامبران خود را فرستادیم هر بار که پیامبری بر ملتی آمد تکذیبش کردند و ما نیز آنها را از پس یکدیگر به هلاکت رسانیدیم و آنان را داستانها کردیم این نصیب مردمی که ایمان نمی آورند دوری از رحمت خدا باد
و بگو: ای پروردگار من، بیاور و رحمت آور و تو بهترین رحمت

75 - السجدة #32

آیا می گویند دروغی است که خود به هم بافته ؟ نه، سخنی است بر حق از جانب پروردگارت، تا مردمی را که پیش از تو بیم دهنده ای نداشته اند بیم دهی شاید به راه هدایت افتند. خداست که آسمانها و زمین را و آنچه میان آنهاست در شش روز بیافرید، و آنگاه به عرش پرداخت، شمارا جز او کارساز و شفیع نیست آیا پند نمی گیرید سپس نسل او را از عصاره آبی بی مقدار پدید آورد. آنگاه بالای او راست کرد و از روح خود در آن بدمید و برایتان گوش و چشمها و دلها آفرید چه اندک شکر می گویند

76 - الطور #52 (کوه طور)

بر آن تختهای کنار هم چیده تکیه می زنند، حوریان را همسرشان می گردانیم. کسانی که خود ایمان آورند و فرزندانشان در ایمان، پیرویشان کردند. فرزندانشان را به آنها ملحق می کنیم و از پاداش عملشان هیچ نمی کاهیم که هر کسی در گرو کار خویشتن است

77 - الملك #67 (به معنی فرمانروائی)

آن که هفت آسمان طبقه طبقه را بیافرید. در آفرینش خدای رحمان هیچ خلل و بی نظمی نمی بینی. پس بار دیگر نظر کن، آیا در آسمان شکافی می بینی؟

برای کسانی که نادیده از پروردگارشان میترسند، آمرزش و مزد فراوان است. چه به راز سخن گویند و چه آشکارا، او به هر چه در دلها می گذرد داناست، آیا آن که می آفریند نمی داند؟ حال آنکه او باریک بین و آگاه است

به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است

78 - الحاقه #69 (به معنی روز بر حق، روز قیامت)

بگیر بدش، زنجیرش کنید. و به جهنمش بکشید. و او را با زنجیری به

درازای هفتاد ذراع بکشید. زیرا به خدای بزرگ ایمان نداشت. و به طعام دادن به مسکینان کسی را ترغیب نمی کرد. در آن روز، در آنجا هیچ دوستی نخواهد داشت. طعامش چیزی جز چرک و خون اهل دوزخ نیست. تنها خطاکاران از آن طعام می خورند. پس سوگند به آنچه می بینید، و آنچه نمی بینید، که این سخن فرستاده ای بزرگوار است، نه سخن شاعری چه اندک ایمان می آورید

79 - المعارج #70 (به معنی آسمانها)

روزی که شتابان از قبرها به درآیند، چنان که گویی نزد بتان می شتابند. وحشت بر چشمانشان مستولی شده و به خواری افتاده اند: این است همان روزی که آنها را وعده داده بودند

80 - النبأ #78 (به معنی خبر)

پرهیزگاران را جایی است در امان از هر آسیب، بستانها و تاکستانها، و دخترانی همسال، با پستانهای برآمده، و جامهای پر. نه سخن بیهوده شنوند و نه دروغ. و این پاداشی است کافی از جانب پروردگارت

81 - النازعات #79 (به معنی فرشتگان گیرنده جان)

تو را از قیامت می پرسند که چه وقت واقع شود. از یاد کردن آن تو را چه کار است؟ منتهای آن نزد پروردگار توست

82 - الإنفطار #82 (به معنی شکافتن)

هر آینه نیکوکاران در نعمتند و گناهکاران در جهنم

83 - الإنشاق #84 (به معنی شکافته شدن)

پس آنان را به عذابی دردآور بشارت ده، مگر آنان که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند که پاداششان را پایانی نیست

84 - الروم #30 (اشاره است به شکست رومیان از ایران در

سال 613 میلادی)

رومیان مغلوب شدند، در نزدیک این سرزمین و پس از مغلوب شدن بار دیگر غالب خواهند شد، در مدت چند سال فرمان، فرمان خداست، چه پیش از پیروزی و چه بعد از آن و در آن روز مؤمنان شادمان می شوند، به یاری خدا، خدا هر کس را که بخواهد یاری می کند، زیرا پیروزمند و مهربان است

زنده را از مرده بیرون آرد و مرده را از زنده و زمین را پس از مردنش زنده می سازد و شما نیز این چنین از گورها بیرون شوید. از نشانه های قدرت اوست که شما را از خاک بیافزید تا انسان شدید و به هر سو پراکنده گشتید

85 - العنكبوت #29 (در این سوره که اواخر اقامت حضرت در مکه است، برای اولین و آخرین بار جهاد به معنی کوشش می باشد) هر که جهاد کند به سود خود کرده است، زیرا خدا از همه جهانیان بی نیاز است

مثل آنان که سوای خدا را دوستان می گیرند، مثل عنكبوت است که خانه ای بساخت و کاش می دانستند، هر آینه سست ترین خانه ها خانه عنكبوت است

86 - المطففين #83 (به معنی کم فروشان و آخرین سوره نازل شده در مکه)

و تو چه می دانی که علیین چیست؟ کتابی است نوشته که مقربان خدا در آن می نگرند. هر آینه نیکان در نعمتند، بر تختها نشسته و نظاره می کنند. بر چهره هاشان طراوت نعمت را بشناسی. از شرابی خالص که بر سر آن مهر نهاده اند سیراب می شوند.

87 - البقرة #2 (به معنی گاو، اولین سوره بعد از هجرت که در مدینه نازل شده، بلندترین سوره قرآن و شاید نزول آن دو سالی طول کشیده باشد. تغییر قبله از بیت المقدس به مکه هشدار می باشد به سه قبیله یهودی بنی قینقاع، بنی النصر و بنی قریضه بود. اولین غزوه، به معنی حمله ناگهانی، بنام غزوه بدر، عده ای مهاجر به فرماندهی عبدالله بن جحش به کاروانی تجاری که از شام بسوی مکه می رفت در روز اول رجب در مکانی بنام سریه النخله نزدیک چاه بدر که توقفگاه کاروانیان بود حمله کردند. با این تغییر روش توسعه اسلام، آیات مکی منسوخ نمیشوند، بلکه آیات بهتری جایگزین آنها میشوند که در آیه صد و شش به این موضوع اشاره شده است)

کافران را خواه بت‌رسانی یا نترسانی تفاوتشان نکند، ایمان نمی آورند، خدا بر دل‌هایشان و بر گوش‌شان مهر نهاده و بر روی چشمانشان پرده ای است، و برایشان عذابی است بزرگ

کرانند، لالانند، کورانند، و باز نمی گردند. یا چون بارانی سخت در ظلمت همراه با رعد و برق از آسمان فرود آید، تامباد که از بانگ صاعقه بمیرند، انگشتان خویش در گوش‌ها کنند و خداست که بر کافران احاطه دارد

ای بنی اسرائیل، نعمتی را که بر شما ارزانی داشتیم و شما را بر جهانیان برتری دادم به یاد بیاورید

و به یاد آرید آنگاه که شما را از فرعونیان رهانیدیم

کسانی که ایمان آوردند و کسانی که آیین یهودان و ترسایان و صابئان را برگزیدند، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند و کاری شایسته کنند، خدا به آنها پاداش نیک می دهد و نه بیمناک می شوند و نه محزون

به آنان که با جبریل دشمنی می ورزند، بگو: اوست که این آیات را به فرمان خدا بر دل تو نازل کرده است تا کتابهای دیگر آسمانی را تصدیق کند و برای مؤمنان رهنمون و بشارت باشد

هیچ آیه ای را منسوخ یا ترک نمی کنیم مگر آنکه بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم آیا نمی دانی که خدا بر هر کاری تواناست گفتند: جز یهودان و ترسایان کسی به بهشت نمی رود، این آرزوی آنهاست. بگو: اگر راست می گویند حجت خویش بیاورید. آری، هر کس که از روی اخلاص رو به خدا کند و نیکوکار بود، پاداشش را از پروردگارش خواهد گرفت و دستخوش بیم و اندوه نمی شود. با آنکه کتاب خدا را می خوانند، یهودان گفتند که ترسایان بر هیچند و ترسایان گفتند که یهودان بر هیچند، همچنین آنها که ناآگاهند سخنی چون سخن آنان گویند، خدا در روز قیامت در باره آنچه در آن اختلاف می کنند، میانشان حکم خواهد کرد. کیست ستمکارتر از آنکه نگذاشت که نام خدا در مسجدهای خدا برده شود، و در ویران ساختن آنها کوشید؟ آنان در آن مسجدها جز بیمناک و ترسان داخل نخواهند شد و نصیبشان در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ است. مشرق و مغرب از آن خداست پس به هر جای که رو کنید، همان جا رو به خداست، خدا فراخ رحمت و داناست

ای بنی اسرائیل، از آن نعمتی که بر شما ارزانی داشتیم و شما را بر جهانیان برتری دادم یاد کنید

پس روی به جانب مسجدالحرام کن و هر جا که باشید روی بدان جانب کنید اهل کتاب می دانند که این دگرگونی به حق و از جانب پروردگارشان بوده است و خدا از آنچه می کنید غافل نیست

ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه داشتن بر شما مقرر شد، همچنان که بر کسانی که پیش از شما بوده اند مقرر شده بود، تا پرهیزگار شوید

با کسانی که با شما جنگ می کنند، در راه خدا بجنگید و تعدی نکنید زیرا خدا تعدی کنندگان را دوست ندارد. هر جا که آنها را بیابید

بکشید و از آنجا که شما را رانده اند، برانیدشان، که فتنه از قتل بدتر است و در مسجدالحرام با آنها مجنگید، مگر آنکه با شما بجنگند و چون با شما جنگیدند بکشیدشان، که این است پاداش کافران جنگ بر شما مقرر شد، در حالی که آن را ناخوش دارید شاید چیزی را، ناخوش بدارید و در آن خیر شما باشد و شاید چیزی را دوست داشته باشید و برایتان ناپسند افتد خدا می داند و شما نمی دانید تو را از شراب و قمار می پرسند بگو: در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی است برای مردم و گناهشان از سودشان بیشتر است زنانان کشتزار شما هستند هر جا که خواهید به کشتزار خود در آید و کاری کنید که مستوجب کرامت شوید و از خدا بترسید و بدانید که به نزد او خواهید شد و مؤمنان را بشارت ده در راه خدا جنگ کنید و بدانید که خدا شنوا و داناست در دین هیچ اجباری نیست هدایت از گمراهی مشخص شده است پس هر کس که به بت کفر ورزد و به خدای ایمان آورد، به چنان رشته استواری چنگ زده که گسستنش نباشد خدا شنوا و داناست

88 - الأنفال #8 (به معنی غنائم ، این سوره بعد از غزوه بدر در سال دوم هجری نازل شده که بیشتر در مورد تقسیم غنائم و اسیران این غزوه است. سلمان فارس که در اختیار یهودیان بود، اکنون اهل بیت حضرت محمد شده. می خواستند با گرفتن مبلغی به عنوان فداء اسیران را آزاد کنند ولی آیه شصت و هفت نازل شد و اسیران را گردن زدند.)

تو را از غنائم جنگی می پرسند، بگو: غنائم جنگی متعلق به خدا و پیامبر است پس اگر از مؤمنان هستید، از خدای بترسید و با یکدیگر به آشتی زیست کنید و از خدا و پیامبرش فرمان برید و آنگاه که از پروردگارتان یاری خواستید و خدا بپذیرفت که من با هزار فرشته که از پی یکدیگر می آیند یاریتان می کنم و آنگاه را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: من با شما، شما مؤمنان را به پایداری وادارید من در دلهای کافران بیم خواهم افکند

بر گردنهایشان بزنید و انگشتانشان را قطع کنید
ای کسانی که ایمان آورده اید، چون کافران را حمله ور دیدید به
هزیمت پشت مکنید، جز آنها که برای ساز و برگ نبرد باز می گردند
یا آنها که به یاری گروهی دیگر می روند، هر کس که پشت به دشمن
کند مورد خشم خدا قرار می گیرد و جایگاه او جهنم است، و جهنم بد
جایگاهی است. شما آنان را نمی کشتید، خدا بود که آنها را می کشت
و آنگاه که تیر می انداختی، تو تیر نمی انداختی، خدا بود که تیر می
انداخت، تا به مؤمنان نعمتی کرامند ارزانی دارد هر آینه خدا شنوا و
دانا است

با آنان نبرد کنید تا دیگر فتنه ای نباشد و دین همه دین خدا گردد پس
اگر باز ایستادند، خدا کردارشان را می بیند
بدانید که هر گاه چیزی به غنیمت گرفتید خمس آن از آن خدا و پیامبر
و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است و خدا به
هر چیز تواناست. شما در کرانه نزدیک تر بیابان بودید و آنها در
کرانه دورتر بودند و آن قافله در مکانی فروتر از شما بود اگر شما با
یکدیگر زمان جنگ را تعیین می کردید باز هم از آن تخلف می
ورزیدید تا کاری که خدا مقرر کرده است واقع شود، تا هر که هلاک
می شود به دلیلی هلاک شود و هر که زنده می ماند به دلیلی زنده ماند
هر آینه خدا شنوا و دانا است

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر به فوجی از دشمن برخوردید
پایداری کنید و خدا را فراوان یاد کنید، باشد که پیروز شوید
و تا آنجا که می توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید تا دشمنان خدا،
و دشمنان خود و جز آنها که شما نمی شناسید و خدا می شناسد را
بترسانید و آنچه را که در راه خدا هزینه می کنید به تمامی به شما
بازگردانده شود و به شما ستم نشود

ای پیامبر، مؤمنان را به جنگ برانگیز، اگر از شما بیست تن باشند و
در جنگ پایداری کنند، بر دویست تن غلبه خواهند یافت و اگر صد
تن باشند، بر هزار تن از کافران پیروز می شوند، زیرا آنان مردمی

عاری از فهمند

برای هیچ پیامبری نسزد که اسیران داشته باشد تا که در روی زمین کشتار بسیار کند شما متاع اینجهانی را می خواهید و خدا آخرت را می خواهد و او پیروزمند و حکیم است از آنچه به غنیمت گرفته اید که حلال است و پاکیزه، بخورید و از خدا ترسید هر آینه خدا آمرزنده و مهربان است کافران نیز خویشاوندان یکدیگرند اگر مراعات آن نکنید فتنه و فساد بزرگ در این سرزمین پدید خواهد آمد

89 - آل عمران #3 (به معنی خاندان عمران، این سوره بیشتر خطاب به یهودیان است)

این کتاب را که تصدیق کننده کتابهای پیش از آن است به حق بر تو نازل کرد و قیل از آن تورات را و انجیل را برای هدایت مردم فرستاد و فرقان را نازل کرد، برای آنان که به آیات خدا ایمان نمی آورند عذابی سخت مهیاست، و خدا پیروزمند و انتقام گیرنده است اوست که این کتاب را بر تو نازل کرد بعضی از آیه ها محکمانند، این آیه ها ام الکتابند، و بعضی آیه ها متشابهاوند اما آنها که در دلشان میل به باطل است، به سبب فتنه جویی و میل به تاویل از متشابهاوند پیروی می کنند، در حالی که تاویل آن را جز خدای نمی داند و آنان که قدم در دانش استوار کرده اند می گویند: ما بدان ایمان آوردیم، همه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان پند نمی گیرند آنگاه خدا گفت: ای عیسی، من تو را می میرانم، و به سوی خود بر می آورم، و از کافران دور می سازم، و تا روز قیامت آنان را که از تو پیروی کنند فراز کافران قرار خواهم داد سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من در آنچه اختلاف می کردید میانتان حکم می کنم

ابراهیم نه یهودی بود نه نصرانی، بلکه حنیفی مسلمان بود و از مشرکان نبود

بگو: به خدا و آنچه بر ما و بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب

و، فرزندان او و نیز آنچه بر موسی و عیسی و پیامبران دیگر از جانب پروردگارشان نازل شده است، ایمان آوردیم میان هیچ یک از ایشان فرقی نمی‌نهییم و همه تسلیم اراده او هستیم. و هر کس که دینی جز اسلام اختیار کند از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیاندیدگان خواهد بود

توبه کسانی که پس از ایمان آوردن کافر شدند و بر کفر خود افزودند، پذیرفته نخواهد شد اینان گمراهانند

نخستین خانه ای که برای مردم بنا شده همان است که در مکه است خانه ای که جهانیان را سبب برکت و هدایت است

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از گروهی از اهل کتاب اطاعت کنید، حال که آیات خدا را بر شما می‌خوانند، و رسول او در میان شماست؟ شما را از ایمانتان به کفر باز می‌گردانند

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آنچنان که شایسته ترس از خداست از او بترسید و جز در مسلمانی نمیرید

اگر اهل کتاب نیز ایمان بیاورند برایشان بهتر است بعضی از ایشان مؤمنند ولی بیشترین تبه‌کارانند

و بامدادان از میان کسان خویش بیرون آمدی، تا مؤمنان را در آن جایها که می‌بایست بجنگند بگماری، و خدا شنوا و داناست

اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، آمرزش و رحمت خدا از آنچه در این جهان گرد می‌آورد بهتر است

کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌مپندار، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان به ایشان روزی می‌دهند

90 - الأحزاب #33 (به معنی گروهها، این سوره بیشتر درباره

جنگ است ولی شامل آیاتیسست مربوط به زنان پیامبر و ازدواج

حضرت رسول با همسر پسر خوانده اش زید)

بدان هنگام که لشکرها بر سر شما تاخت آوردند و ما باد را و

لشکرهایی را که نمی‌دیدید بر سرشان فرستادیم و خدا بدانچه می‌کردید بینا بود

اینان پیش از این با خدا پیمان بسته بودند که در جنگ به دشمن پشت نکنند خدا از پیمان خود بازخواست خواهد کرد
ای زنان پیامبر، شما همانند دیگر زنان نیستید، اگر از خدا بترسید پس به نرمی سخن مگویید تا آن مردی که در قلب او مرضی هست به طمع افتد و سخن پسندیده بگوید. و در خانه های خود بمانید و تو، به آن مرد که خدا نعمتش داده بود و تو نیز نعمتش داده بودی، گفتی: زنت را برای خود نگه دار و از خدای بترس در حالی که در دل خود آنچه را خدا آشکار ساخت مخفی داشته بودی و از مردم می ترسیدی، حال آنکه خدا از هر کس دیگر سزاوارتر بود که از او بترسی پس چون زید از او حاجت خویش بگزارد، به همسری تو اش در آوریم تا مؤمنان را در زناشویی با زنان فرزند خواندگان خود، اگر حاجت خویش از او بگزارده باشند، منعی نباشد و حکم خداوند شدنی است

ای پیامبر، ما زنانی را که مهرشان را داده ای و آنان را که به عنوان، غنایم جنگی که خدا به تو ارزانی داشته است مالک شده ای و دختر عموها و دختر عمه ها و دختر دایهها و دختر خاله های تو را که با تو مهاجرت کرده اند بر تو حلال کردیم، و نیز زن مؤمنی را که خود را به پیامبر بخشیده باشد، هر گاه پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد این حکم ویژه توست نه دیگر مؤمنان ما می دانیم در باره زنانشان و کنیزانشان چه حکمی کرده ایم، تا برای تو مشکلی پیش نیاید و خدا آمرزنده و مهربان است

بعد از این زنان، هیچ زنی بر تو حلال نیست و نیز زنی به جای ایشان اختیار کردن، هر چند تو را از زیبایی او خوش آید، مگر آنچه به غنیمت به دست تو افتد و خدا مراقب هر چیزی است و کسانی که مردان مؤمن و زنان مؤمن را بی هیچ گناهی که کرده باشند می آزارند، تهمت و گناه آشکاری را بر دوش می کشند. ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که چادر خود را، بر خود فرو پوشند این مناسب تر است، تا شناخته شوند و مورد آزار

واقع نگردند و خدا آمرزنده و مهربان است. اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرضی است و آنها که در مدینه شایعه می‌پراکنند از کار خود باز نایستند، تو را بر آنها مسلط می‌گردانیم تا از آن پس جز اندکی با تو در شهر همسایه نباشند. اینان لعنت شدگانند هر جا یافته شوند باید دستگیر گردند و به سختی کشته شوند

91 - الممتحنة #60 (به معنی زن امتحان شده)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خود را به دوستی اختیار مکنید

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با مردمی که خدا بر آنها خشم گرفته است دوستی مکنید اینان از آخرت نومیدند، همچنان که آن کافرانی که اینک در گورند از آخرت نومیدند

92 - النساء #4 (به معنی زنان، این سوره بیشتر از آنکه در

باره زنان باشد مربوط می‌شود به وضعیت قبایل یهودی در مدینه. پس از بازگشت فاتحانه از غزوه بدر، بعد از دعوای یک یهودی با زن مسلمانی، طایفه یهودی بنی قینقاع از مدینه اخراج و تمام اموالشان را مسلمانان تصاحب نمودند. چون یهودیان از قریش کمک خواستند، در آیه پنجاه و دو یهودیان لعنت می‌شوند. در مورد زنان شوهردار و همچنین ازدواج موقت "ضیغه" آیاتی نازل شده که در تفسیر آن بین شیعه و سنی اختلاف نظر هست)

از زنان هر چه شما را پسند افتد، دو دو و سه سه و چهار چهار به نکاح در آورید و اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید تنها یک زن بگیرید یا هر چه مالک آن شوید این راهی بهتر است تا مرتکب ستم نگردید

و از زنان شما آنان که مرتکب فحشا می‌شوند، از چهار تن از خودتان بر ضد آنها شهادت بخواهید اگر شهادت دادند زنان را در خانه محبوس دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی پیش پایشان نهد و نیز زنان شوهر دار بر شما حرام شده‌اند، مگر آنها که به تصرف

شما درآمده باشند از کتاب خدا پیروی کنید و جز اینها، زنان دیگر هر گاه در طلب آنان از مال خویش مهری بپردازید و آنها را به نکاح در آورید نه به زنا، بر شما حلال شده اند و زنانی را که از آنها تمتع می گیرید واجب است که مهرشان را بدهید و پس از مهر معین، در قبول هر چه هر دو بدان رضا بدهید گناهی نیست هر آینه خدا دانا و حکیم است

وآن زنان را که از نافرمانیشان بیم دارید، اندرز دهید و از خوابگاهشان دوری کنید و بزیندشان اگر فرمانبرداری کردند، از آن پس دیگر راه بیداد پیش مگیرید

ای کسانی که ایمان آورده اید، آنگاه که مست هستید گرد نماز مگردید، تا بدانید که چه می گوئید و نیز در حال جنابت، تا غسل کنید، مگر آنکه راهگذر باشید و اگر بیمار یا در سفر بودید یا از مکان قضای حاجت بازگشته اید یا با زنان جماع کرده اید و آب نیافتید با خاک پاک تیمم کنید و روی و دستهایتان را با آن خاک مسح کنید هر آینه خدا عفو کننده و آمرزنده است

ای کسانی که شما را کتاب داده اند، به کتابی که نازل کرده ایم و کتاب شما را نیز تصدیق می کند ایمان بیاورید، پیش از آنکه نقش چهره هایتان را محو کنیم و رویه‌هایتان را به قفا برگردانیم یا همچنان که اصحاب سبت را لعنت کردیم شما را هم لعنت کنیم و فرمان خدا شدنی است

آنان را که به آیات ما کافر شدند به آتش خواهیم افکند هر گاه پوست تنشان بپزد پوستی دیگرشان دهیم، تا عذاب خدا را بچشند خدا پیروزمند و حکیم است. و آنان را که ایمان آورده و کارهای نیکو کرده اند به بهشتهایی که در آن نهرها جاری است در آوریم، تا ابد در آنجا خواهند بود و در آنجا صاحب زنان پاک و بی عیب شوند و در سایه های پیوسته و خنک جایشان می دهیم.

خدا را اطاعت کنید و از رسول و الوالامر خویش فرمان برید پس آنان که زنگی دنیا را داده اند و آخرت را خریده اند باید که در

راه خدا بجنگد و هر که در راه خدا بجنگد، چه کشته شود چه پیروز گردد، مزدی بزرگ به او خواهیم داد.

آنان که ایمان آورده اند، در راه خدا می جنگند، و آنان که کافر شده اند در راه شیطان، پس با هواداران شیطان قتال کنید که مکر شیطان ناچیز است.

پس در راه خدا نبرد کن که جز بر نفس خویش مکلف نیستی، و مؤمنان را به جنگ برانگیز شاید خدا آسیب کافران را از شما بازدارد و خشم و عذاب خدا از هر خشم و عذاب دیگری سخت تر است پس با هیچ یک از آنان دوستی مکنید تا آنگاه که در راه خدا مهاجرت کنند و اگر سر باز زدند در هر جا که آنها را بیابید بگیرید و بکشید و هیچ یک از آنها را به دوستی و یاری بر مگزینید

گروه دیگری را خواهید یافت که می خواهند از شما و قوم خود در امان باشند، اینان هر گاه که به کفر دعوت شوند بدان بازگردند پس اگر خود را به کناری نکشند و صلح نکنند و از اعمال خویش باز نایستند آنان را هر جا که یافتید بگیرید و بکشید که خدا شما را بر آنان تسلطی آشکار داده است

مؤمنانی که بی هیچ رنج و آسیبی از جنگ سر می تابند با کسانی که به مال و جان خویش در راه خدا جهاد می کنند برابر نیستند خدا کسانی را که به مال و جان خویش جهاد می کنند بر آنان که از جنگ سر می تابند به درجتی برتری داده است و خدا همه را و عده های نیکو داده است و جهاد کنندگان را بر آنها که از جهاد سر می تابند به مزدی بزرگ برتری نهاده است

ما به تو وحی کردیم همچنان که به نوح و پیامبران بعد از او وحی کرده ایم و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و سبطها و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کرده ایم و به داود زبور را ارزانی داشتیم و پیامبرانی که پیش از این داستانهایشان را برای تو گفته ایم و آنان که داستانهایشان را برای تو نگفته ایم و خدا با موسی سخن گفت، چه سخن گفتنی بی میانجی.

93 - الزلزلة #99 (به معنی زلزله، لرزش زمین)
آنگاه که زمین لرزانده شود به سخت ترین، لرزه هایش، و زمین
بارهای سنگینش را بیرون ریزد، و آدمی بگوید که زمین را چه
رسیده است
در آن روز مردم پراکنده از قبرها بیرون می آیند تا اعمالشان را به
آنها بنمایانند

94 - الحديد #57 (به معنی آهن)
از میان شما آنان که پیش از فتح انفاق کرده و به جنگ رفته با آنان
که بعد از فتح انفاق کرده اند و به جنگ رفته اند برابر نیستند درجت
آنان فراتر است و خدا به همه وعده نیک می دهد و به هر کاری که
می کنید آگاه است
همانند آن مردمی نباشند که پیش از این کتابشان دادیم و چون مدتی
برآمد دل‌هایشان سخت شد و بسیاری نافرمان شدند. بدانید که خدا زمین
را پس از مردنش زنده می کند ما آیات را برایتان به روشنی
بیان کردیم، باشد که به عقل دریابید

95 - الرعد #13 (به معنی رعد، تندر)
اوست که برق را گاه برای ترسانیدن و گاه برای امید بخشیدن به شما
می نمایاند و ابرهای گرانبار را پدید می آورد. رعد به ستایش او و
فرشتگان از بیم او تسبیح می کنند و صاعقه ها را می فرستد و هر که
را بخواهد بدان آسیب می رساند باز هم در باره خدا مجادله می کنند و
او به سختی عقوبت می کند
صفت بهشتی که به پرهیزگاران وعده شده: آب از زیر درختانش
روان است و میوه ها و سایه اش همیشگی است این سرانجام کسانی
است که پرهیزگارانند و سرانجام کافران آتش است

96 - محمد #47 (نام دیگر این سوره القتال "جنگ کردن"
است. "محمد" در دومین آیه آن آمده است)
چون با کافران رو به رو شدید، گردنشان را بزنید و چون آنها را

سخت فرو گرفتید، اسیرشان کنید و سخت ببندید آنگاه یا به منت آزاد کنید یا به فدیة تا آنگاه که جنگ به پایان آید و این است حکم خدا و اگر خدا می خواست، از آنان انتقام می گرفت، ولی خواست تا شما را به یکدیگر بیازماید و آنان که در راه خدا کشته شده اند اعمالشان را باطل نمی کند

خدا کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته می کنند به بهشتهایی که نهرها در آن جاری است داخل خواهد کرد ولی کافران از این جهان متمتع می شوند و چون چارپایان می خورند و جایگاهشان آتش است. چه قریه هایی که مردمش از مردم قریه تو، که از آن بیرون ت کردند، بسی نیرومندتر بودند که هلاکشان کردیم و هیچ یاری کننده ای نداشتند

سستی نورزید تا دعوت به مصالحه کنید شما برتر هستید و خدا با شماست و از پادشاهیتان نخواهد کاست

97 - الرحمن #55 (به معنی بخشنده)

آدمی را از گل خشک شده ای چون سفال بیافرید. و جن را از شعله ای بی دود. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید در آنجا زنانی است نیک سیرت و زیبا روی. پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید؟ حورانی مستور در خیمه ها پیش از این هیچ آدمی و جنی به آنها دست نزده است

98 - الإنسان #76 (نام دیگر این سوره الدهر به معنی زمان است)

در آنجا بر تختها تکیه زده اند نه هیچ آفتابی می بینند و نه سرمایی. سایه های درختانش بر سرشان افتاده و میوه هایش به فرمانشان باشد. کاسه های سیمین و کوزه های شراب میانشان به گردش در می آید. کوزه هایی از سیم که آنها را به اندازه پر کرده اند. در آنجا جامی بنوشاندنشان که آمیخته با زنجبیل باشد، از چشمه ای که آن را سلسبیل می گویند. همواره پسرانی به گردششان می چرخند که چون آنها را ببینی، پنداری مروارید پراکنده اند. چون بنگری، هر چه بنگری

نعمت فراوان است و فرمانروایی بزرگ. بر تنشان جامه هایی است از سندس سبز و استبرق و به دستبندهایی از سیم زینت شده اند و پروردگارشان از شرابی پاکیزه سیرایشان سازد. این پاداش شماسست و از کوشششان سپاسگزاری شده است

99 - الطلاق #65 (به معنی طلاق و شامل احکام طلاق است)
ای پیامبر، اگر زنان را طلاق می دهی به وقت عده طلاقشان دهی و شمار عده را نگه داری و از خدای یکتا پروردگارتان بترسید و آنان را از خانه هایشان بیرون نکنید

100 - البینه #98 (به معنی برهان روشن)
کافران اهل کتاب و مشرکان دست بردارند تا بر ایشان برهانی روشن بیامد. از اهل کتاب، آنها که کافرند و نیز مشرکان، در آتش جهنمند و در آن همواره خواهند بود اینان بدترین آفریدگانند

101 - الحشر #59 (به معنی راندن، این سوره در سال پنجم هجری بعد از جنگ خندق نازل شده که نخلستانهای طایفه یهودی بنی النظیر آتش زده شد، اموالشان ضبط و از مدینه اخراج شدند)
اوست آن خدایی که نخستین بار کسانی از اهل کتاب را که کافر بودند، از خانه هایشان بیرون راند و شما نمی پنداشتید که بیرون روند. اگر نه آن بود که خدا ترک دیار را بر آنها مقرر کرده بود، در دنیا به عذاب گرفتارشان میکرد و در آخرتشان عذاب آتش است.

و آنچه خدا از دار ایشان به پیامبر خود غنیمت داد، آن نبود که شما با اسب یا شتری بر آن تاخته بودید، بلکه خدا پیامبرانش را بر هر که بخواهد مسلط می سازد، و خدا بر هر چیزی قادر است. آن غنیمتی که خدا از مردم قریه ها نصیب پیامبرش کرده است از آن خداست و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و مسافران در راه مانده، تاملان توانگران دست به دست نشود، هر چه پیامبر به شما داد بستانید، و از هر چه شما را منع کرد اجتناب کنید و از خدا بترسید که خدا سخت عقوبت است. نیز غنایم از آن مهاجران فقیری است که از

سرزمینشان و اموالشان در طلب، فضل و خوشنودی خدا رانده شده اند و خدا و پیامبرش را یاری می کنند، اینان راستگویانند. آنان همگی با شما برای جنگ نپیونددند، مگر در قریه هایی که بارویشان باشد. از پس دیوار، آنها سخت با یکدیگر دشمنند تو یکدل می پندار ایشان و حال آنکه دلهاشان از هم جداست، که مردمی بی خردند

102 - النور #24 (به معنی روشنائی، این سوره در باره تهمت زدن به زنان پاکدام و اشاره به بهتانی است که به عایشه همسر پیامبر زده شده بود)

زنان و مردان زناکار را هر یک صد ضربه بزنیید و اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید و اگر آن زن چهار بار به خدا سوگند خورد که آن مرد دروغ می گوید، حد از او برداشته می شود. برای کسانی که دوست دارند در باره مؤمنان تهمت زنا شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردآور مهیاست خدا می داند و شما نمی دانید آیا ندیده ای که هر چه در آسمانها و زمین است و نیز مرغانی که در پروازند تسبیح گوی خدا هستند

103 - الحج #22 (به معنی حج، در این سوره، آیه پنجاه و دو اشاره به آیات مکی منسوخ، منجمله آیات مربوط به لات و عزی در سوره نجم و چه بسا آیاتی که قبلاً در مورد قوم یهود گفته شده و اکنون کافران کتابی خوانده می شوند)

خدا میان آنان که ایمان آورده اند و آنان که کیش یهود یا صابئان یا نصاری یا مجوس برگزیده اند و آنان که مشرک شده اند، در روز قیامت حکم می کند زیرا او بر هر کاری ناظر است آنهاپی را که کافر شدند و مردم را از راه خدا و مسجدالحرام که برای مردم چه مقیم و چه غریب یکسان است باز می دارند و نیز هر که را در آنجا قصد کجروی یا ستمکاری داشته باشد، عذاب دردآور می

چشمانیم. و مکان خانه را برای ابراهیم آشکار کردیم و گفتیم: هیچ چیز را شریک من مساز و خانه مرا برای طواف کنندگان و بر پای ایستادگان و راکعان و ساجدان پاکیزه بدار. و مردم را به حج فرا خوان تا پیاده یا سوار بر شتران تکبیده از راههای دور نزد تو بیایند به کسانی که به جنگ بر سرشان تاخت آورده اند و مورد ستم قرار گرفته اند، رخصت داده شد و خدا بر پیروز گردانیدنشان تواناست. آنهایی که به ناحق از دیارشان رانده شده اند جز آن بود که می گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست؟ و اگر خدا بعضی را به وسیله بعضی دیگر دفع نکرده بود، دیرها و کلیساها و کنشتها و مسجدهایی که نام خدا به فراوانی در آن برده می شود ویران می گردید و خدا هر کس را که یاریش کند، یاری می کند و خدا توانا و پیروز مند است آیا ندیده ای که خدا هر چه را در روی زمین است مسخر شما کرده است و کشتیها در دریا به فرمان او می روند؟ و آسمان را نگه داشته که جز به فرمان او بر زمین نیفتد زیرا خدا را بر مردم رفت و مهربانی است. اوست آن که شما را زندگی بخشید و سپس بمیراند و باز زنده می سازد و آدمی ناسپاس است

104 - المنافقون #63 (به معنی دو رویان)

چون منافقان نزد تو آیند، گویند: شهادت می دهیم که تو پیامبر خدا هستی. خدا می داند که تو پیامبرش هستی و خدا شهادت می دهد که منافقان دروغگویند.

منافقان نمی فهمند. می گویند: چون به مدینه باز گردیم، صاحبان عزت، ذلیلان را از آنجا بیرون خواهند کرد

105 - المجادلة #58 (به معنی جدال کردن)

ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر با یکدیگر نجوا می کنید، در باب گناه و دشمنی و نافرمانی از پیامبر نجوا مکنید، بلکه در باب نیکی و پرهیزگاری نجوا کنید از آن خدایی که همگان نزد او گرد می آید
بترسید

106 - الحجرات #49 (به معنی اتقها)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از گمان فراوان بپرهیزید زیرا پاره ای از گمانها در حد گناه است و در کارهای پنهانی یکدیگر جست و جو نکنید و از یکدیگر غیبت نکنید آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ پس آن را ناخوش خواهید داشت و از خدا بترسید، زیرا خدا توبه پذیر و مهربان است

107 - التحریم #66 (به معنی حرام کردن، این سوره درباره

موضوعی بین حضرت محمد و زنان ایشان است و پیامبر قوی میدهند ولی بعداً این سوره نازل می شود)

ای پیامبر، چرا چیزی را که خدا بر تو، حلال کرده است، به خاطر خشنود ساختن زنان بر خود حرام می کنی؟

آنگاه که پیامبر با یکی از زنان خود رازی در میان نهاد، چون آن زن آن راز با دیگری باز گفت، خدا پیامبر را از آن آگاه ساخت و او پاره ای از آن راز را بر آن زن آشکار کرد و از افشای پاره ای دیگر سر باز زد، زن گفت: چه کسی تو را از این ماجرا آگاه کرده است؟ گفت: آن خدای دانای آگاه به من خبر داده است. اگر شما دو زن توبه کنید بهتر است، زیرا دل‌هایتان از حق بازگشته است و اگر برای آزارش همدست شوید، خدا یاور اوست و نیز جبرئیل و مؤمنان شایسته و فرشتگان از آن پس یاور او خواهند بود. شاید اگر شما را طلاق گوید پروردگارش به جای شما زنانی بهتر از شمایش بدهد، زنانی مسلمان، مؤمن، فرمانبردار، توبه کننده، اهل عبادت و روزه گرفتن، خواه شوهر کرده، خواه باکره

108 - التغابن #64 (به معنی مغبونی)

و آنان که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند اهل آتشند در آن جاودانه اند و جهنم بد سرانجامی است

109 - الصف #61 (به معنی صف)

خدا دوست دارد کسانی را که در راه او در صفی همانند دیواری که

اجزایش را با سرب به هم پیوند داده باشند می جنگند.
 و عیسی بن مریم گفت: ای بنی اسرائیل، من پیامبر خدا بر شما هستم،
 توراتی را که پیش از من بوده است تصدیق می کنم، و به پیامبری که
 بعد از من می آید و نامش احمد است، بشارتتان می دهم چون آن
 پیامبر با آیات روشن خود آمد، گفتند: این جادویی است آشکار.
 به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید، و در راه خدا با مال و جان خویش
 جهاد کنید و این برای شما بهتر است، اگر دانا باشید.
 و نعمتی دیگر که دوستش دارید: نصرتی است از جانب خداوند و
 فتحی نزدیک و مؤمنان را بشارت ده.

110 - الجمعة #62 (به معنی جمعه)

کسانی که تورات بر آنها تحمیل گشته و بدان عمل نمی کنند مثل آن
 خراست که کتابهایی را حمل می کند. بد داستانی است داستان مردمی
 که آیات خدا را دروغ می شمرده اند و خدا ستمکاران را هدایت نمی
 کند. بگو: ای قوم یهود، هر گاه می پندارید که شما دوستان خدا
 هستید، نه، مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید اگر راست می گویند
 کسانی که ایمان آورده اید، چون ندای نماز روز جمعه در دهند، به
 نماز بشتابید و داد و ستد را رها کنید اگر دانا باشید، این کار برایتان
 بهتر است

111 - الفتح #48 (به معنی پیروزی، این سوره حدوداً در سال

ششم هجری نازل شده. در آن سال عده ای از مسلمانان مدینه به قصد
 حج راهی مکه شدند. قبیله قریش در دو فرسنگی مکه آنها را متوقف
 کردند و براساس توافقنامه حدیبیه به مسلمانان برای سال بعد اجازه
 حج داده شد. بعد از این توافق برای جلوگیری از مجادله بین مسلمین
 به یهودیان خیبر حمله شد و غنائم بدست آمده از این غزوه آنقدر زیاد
 بود که آیاتی در مورد تقسیم غنائم نازل شد)
 ما برای تو پیروزی نمایانی را مقدر کرده ایم
 از اعراب بادیه نشین، آنان که از جنگ تخلف کرده اند به تو خواهند

گفت: دارایی و کسان ما، ما را از جنگ بازداشتند، پس برای ما
 آمرزش بخواه، به زبان چیزی می گویند که در دلشان نیست بگو: اگر
 خدا برایتان زبانی بخواهد یا سودی بخواهد، چه کسی می تواند در
 برابر خدا آن را دیگرگون کند
 به اعراب بادیه نشین که از جنگ تخلف ورزیده اند، بگو: به زودی
 برای جنگ با مردمی سخت نیرومند فرا خوانده می شوید که با آنها
 بجنگید یا مسلمان شوند اگر اطاعت کنید خدایتان پاداشی نیکو خواهد
 داد و اگر همچنان که پیش از این سر بر تافته اید، سر برتابید شما را
 به عذابی دردآور عذاب می کند
 خدا از مؤمنان آن هنگام که در زیر درخت با تو بیعت کردند، خشنود
 گشت و دانست که در دلشان چه می گذرد پس آرامش بر آنها نازل
 کرد و به فتحی نزدیک پاداششان داد، و به غنیمتهایی بسیار که به
 دست می آورند و خدا پیروزمند و حکیم است. خدا به شما وعده غنایم
 بسیار داده است که به چنگ می آورید، و این غنیمت را زودتر
 ارزانی داشت و شما را از آسیب مردمان امان بخشید، تا برای
 مؤمنان عبرتی باشد و به راه راست هدایتان کند. و غنایم دیگری که
 هنوز به آنها دست نیافته اید هر آینه خدا به آن احاطه دارد و او بر هر
 کاری تواناست

112 - المائدة #5 (به معنی طعام)

امروز چیزهای پاکیزه بر شما حلال شده است طعام اهل کتاب بر شما
 حلال است و طعام شما نیز بر آنها حلال است و نیز زنان پارسای
 مؤمنه و زنان پارسای اهل کتاب، هر گاه مهرشان را بپردازید، به
 طور زناشویی نه زناکاری و دوست گیری، بر شما حلالند و هر کس
 که به اسلام کافر شود عملش ناچیز شود و در آخرت از زیانکاران
 خواهد بود.

ای اهل کتاب، پیامبر ما نزد شما آمد تا بسیاری از کتاب خدا را که
 پنهان می داشتید برایتان بیان کند و از بسیاری در گذرد، و از جانب
 خدا نوری و کتابی صریح و آشکار بر شما نازل شده است. تا خدا

بدان، هر کس را که در پی خشنودی اوست، به راههای سلامت هدایت کند و به فرمان خود از تاریکی به روشنایشان ببرد و آنان را به راه راست هدایت کند. آنان که گفتند که خدا همان مسیح پسر مریم است، کافر شدند بگویی: چه کسی می تواند عذاب خدا را دفع کند اگر اراده کند مسیح پسر مریم و مادرش و همه اهل زمین را به هلاکت رساند. از این رو بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، کس دیگر را نه به قصاص قتل کسی یا ارتکاب فسادی بر روی زمین بکشد، چنان است که همه مردم را کشته باشد.

جزای کسانی که با خدا و پیامبرش جنگ می کنند و در زمین به فساد می کوشند، آن است که کشته شوند، یا بر دار گردند یا دستها و پاهایشان یکی از چپ و یکی از راست بریده شود یا از سرزمین خود تبعید شوند.

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا بترسید و به او تقرب جوید و در راهش جهاد کنید باشد که رستگار گردید

دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر کاری که کرده اند ببرید این

عقوبتی است از جانب خدا، که او پیروزمند و حکیم است

کسانی که ایمان آورده اید، یهود و نصارا به دوستی بر مگزینید، آنان خود دوستان یکدیگرند هر کس از شما که ایشان را به دوستی گزیند در زمره آنهاست و خدا ستمکاران را هدایت نمی کند

ای کسانی که ایمان آورده اید، هر که از شما از دینش بازگردد چه

باک، زودا که خدا مردمی را بیاورد که دوستشان بدارد و دوستش

بدارند در برابر مؤمنان فروتند و در برابر کافران سرکش، در راه

خدا جهاد می کنند و از ملامت هیچ ملامتگری نمی هراسند این فضل

خداست که به هر کس که خواهد ارزانی دارد، و خداوند بخشاینده و

دانا است

اگر اهل کتاب ایمان بیاورند و پرهیزگاری کنند، گناهانشان را خواهیم

زدود و آنها را به بهشتهای پر نعمت داخل خواهیم کرد.

ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و بتها و گرو بندی با

تیرها پلید و کار شیطان است، از آن اجتناب کنید تا رستگار شوید.

113 - التوبة #9 (این سوره برائت هم نامیده شده است. چون در آیه بیست و پنجم به غزوه حنین که در سال هشتم هجری واقع شد، و همچنین در آیه صدو هفده به جنگ تبوک، آخرین غزوه حضرت نبی اشاره شده، لذا این سوره می بایست آخرین سوره قبل از سوره نصر نازل شده باشد.

آیات نودو هفت و صدویک این سوره چهره واقعی اعراب را در قرآن ترسیم می کند و این دو آیه بود که بعد از فتح ایران که پنجاه سال طی جنگهای مختلف طول کشید، بالاخره بعد از مدتها سکوت ایرانیان و قبول بیابانگردان بعنوان ارباب به مردم ایران جرات داد که در مقابل ظلم و بیداد امویان و عباسیان برخیزند)

و چون ماههای حرام به پایان رسید، هر جا که مشرکان را یافتید بکشید و بگیرید و به حبس افکنید و در همه جا به کمینشان نشینید اما اگر توبه کردند و نماز خواندند و زکات دادند، از آنها دست بردارید، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است.

با آنها بجنگید خدا به دست شما عذابشان می کند و خوارشان می سازد و شما را پیروزی می دهد و دلهای مؤمنان را خنک می گرداند اگر پدر یا برادرتان دوست دارند که کفر را به جای ایمان برگزینند، آنها را به دوستی مگیرید و هر کس از شما دوستشان بدارد از ستمکاران خواهد بود.

کسانی که ایمان آورده اید، مشرکان نجسند و از سال بعد نباید به مسجدالحرام نزدیک شوند.

با کسانی که از اهل کتاب که به خدا و روز قیامت ایمان نمی آورند و چیزهایی را که خدا و پیامبرش حرام کرده است بر خود حرام نمی کنند و دین حق را نمی پذیرند جنگ کنید، تا آنگاه که به دست خود در عین مثلت جزیه بدهند.

ای کسانی که ایمان آورده اید، چیست که چون به شما گویند که برای جنگ در راه خدا بسیج شوید، گویی به زمین می چسبید؟ آیا به جای

زندگی اخروی به زندگی دنیا راضی شده اید؟ متاع این دنیا در برابر متاع آن دنیا جز اندکی هیچ نیست. اگر به جنگ بسیج نشوید خدا شما را به شکنجه ای دردناک عذاب می کند و قوم دیگری را به جای شما بر می گزیند و به خدا نیز زبانی نمی رسانید که بر هر کاری تواناست.

به جنگ بروید خواه بر شما آسان باشد خواه دشوار، و با مال و جان خویش در راه خدا جهاد کنید اگر بدانید خیر شما در این است. آنان که به خدا و روز قیامت ایمان دارند هرگز برای جهاد کردن با مال و جانشان از تو رخصت نمی خواهند و خدا پرهیزگاران را می شناسد.

ای پیامبر، با کافران و منافقان بجنگ و با آنان به شدت رفتار کن، جایگاهشان جهنم است که بد سرانجامی است. بعضی از آنها با خدا پیمان بستند که اگر از فضل خود مالی نصیبمان کند زکات می دهیم و در زمره صالحان در می آییم. چون خدا از فضل خود مالی نصیبشان کرد، بخل ورزیدند و به اعراض بازگشتند. و از آن پس تا روزی که همراه با آن خلف و عده با خدا و آن دروغها که می گفتند با او ملاقات کنند، دلهایشان را جای نفاق ساخت. آنان که در خانه نشسته اند و از همراهی با رسول خدا تخلف ورزیده اند، خوشحالند جهاد با مال و جان خویش را در راه خدا، ناخوش شمردند و گفتند: در هوای گرم به جنگ نروید اگر می فهمند بگو: گرمای آتش جهنم بیشتر است. گروهی از عربهای بادیه نشین آمدند و عذر آوردند تا آنها را رخصت دهند، که به جنگ نروند و آنهایی که به خدا و پیامبرش دروغ گفته بودند، در خانه نشستند زودا که به کافرانشان عذابی دردآور خواهد رسید.

عربها کافرتر و منافق تر از دیگرانند و به پی خبری از احکامی که خدا بر پیامبرش نازل کرده است سزاوارترند و خدا دانا و حکیم است
گروهی از عربها که گرد شما را گرفته اند منافقند و گروهی، از

مردم مدینه نیز در نفاق اصرار می ورزند تو آنها را نمی شناسی، ما
می شناسیمشان و دوبار عذابشان خواهیم کرد و به عذاب بزرگ
گرفتار می شوند

خدا از مؤمنان جانها و مالهایشان را خرید، تا بهشت از آنان باشد،
در راه خدا جنگ می کنند، چه بکشند یا کشته شوند و عده ای که خدا
در تورات و انجیل و قرآن داده است به حق بر عهده اوست و چه کسی
بهتر از خدا به عهد خود وفا خواهد کرد. ای کسانی که ایمان آورده
اید، با کافرانی که نزدیک شمایند جنگ کنید، تا در شما شدت و
درستی یابند، و بدانید که خدا با پرهیزگاران است.

114 - النصر #110 (به معنی کمک)

چون یاری خدا و پیروزی فراز آید، و مردم را ببینی که فوج فوج به
دین خدا در می آیند، پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او
امرزش بخواه، که او توبه پذیر است